

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی در منطقهٔ واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ هفدهم /سال بیست چهارم / ۹ دلو ۱۳۹۴ / ۲۸ جنوری ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۱۲

بیش از اندازه دوست داشتن، بیماری است ؛ نباید بیش ازاندازه دوست داشت، مردم بدان احتیاج ندارند ؛ مزاحم شان می شوی .

(رومن رولان)

هرگز خود را فردی شکست خورده تصور نکنید، این تصور خطرناک است، زیرا ذهن پیوسته خواهد کوشید این تصویر را کامل کند .

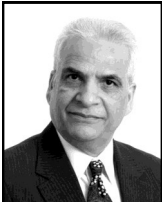
(داکتر نورمن وینست پیل)

بنام خدا

شمارهٔ ۱۰۱۲

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent: **Afzal Nasiri, Agent**
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت



داکتر محمداسلم خاموش، به حق پیوست



یکی از ارزنده ترین همکاران این هفته نامه، داکتر محمداسلم خاموش، رئیس انجمن فرهنگی دانش، شام یکشنبه ۱۰ جنوری ۲۰۱۶ داعی اجل رالیک گفت وبه ابدیت پیوست. در حالیکه جمع بزرگی ازاعضای خانواده، دوستان و آشنایان حاضربودند، امروز ۱۵ جنوری درحظیرهٔ شهرهیوارد، محترمانه پخاک سپرده شد . مشروحات دربارهٔ آن بزرگوار درصفحات داخل این شماره است.

پیش‌شرط‌های طالبان برای صلح !

۲۴جنوری / کابل - صدای امریکا: مؤسسهٔ بین‌المللی پگواش نشست دو روزه رابه منظور یافتن راه حل بحران افغانستان و آغاز گفتگوهای صلح در این کشور در قطر میزبانی می کند که امروز دومین روز این نشست است. نمایندگان طالبان در نشست دوحه پیشنهاداتی را برای گفتگوهای مقدماتی صلح در افغانستان در سیزده صفحه مطرح کرده و گفته اندبدون برداشتن گامهای مقدماتی گفتگو های صلح نتیجه نمیدهد. آنان دراعلامیه‌ای، ایجاد آدرس رسمی، بیرون شدن شان ازلست جوایز وسیاه، آزادی افرادشان از زندان‌ها را از عمده‌ترین پیشنهادات این گروه برای برداشتن گام‌های مقدماتی صلح گفته اند.

عبدالحکیم مجاهد سرپرست شورایعالی صلح افغانستان میگوید تأکید طالبان بر شرط‌های پیشین شان، راهی را برای گفتگوهای صلح باز نمی کند؛ بلکه سبب تداوم بحران در کشور خواهد شد. شورایعالی صلح از ابتدا تأکید کرده که نام سران این گروه باید از لیست سیاه بیرون شود و عملاً درین زمینه تلاش کرده و برخی از سران طالبان را از این لیست خارج کرده اند.وی میگوید: ایجاد آدرس مشخص برای طالبان نیز یکی از خواسته‌ای این شورا بوده تا افغانها و خارجیان به آسانی بتوانند که با آنان تماس بگیرند، مسایلی که سبب پایان‌دادن بحران امی شود، طالبان می توانندرمیز مذاکره آن را مطرح کنند و حکومت افغانستان باید باصداقت به آن گوش دهد. مجاهد تأکید دارد که حکومت افغانستان نیز بایدخواستهاو پیشنهادات خود را درمیز مذاکره با طالبان مطرح سازد.

ا شورا یعالی صلح نیز دعوت شده بود که در این نشست اشتراک کنند؛ ولی مجاهد میگوید این شورا لازم ندید که در صورت برگزاری نشستهای کمیتهٔ چهار جانبه که در آن افغانستان، پاکستان و نمایندگان امریکا و چین عضویت دارند، در نشست پگواش نیز نمایندهٔ خود را بفرستد. ولی سرپرست شورای عالی صلح تأکید دارد هر نشستی که برای یافتن راه حل بحران افغانستان با حضور افغان‌ها در هرجایی برگزار شود، بی سود نخواهد بود.

حبیب‌الله فوزی عضو شورایعالی نیز میگوید نشست پگواش غیررسمی است و پیشنهاداتی را که طالبان درین نشست مطرح کردند، نیز غیر رسمی می‌باشد. هرچندفوزی تأکید می کند که شورای عالی صلح در گذشته حدود ۴۰ تن از سران طالبان را از لست سیاه خارج کرده اند؛ ولی می‌افزاید که این تلاش‌ها هم‌چنان ادامه خواهد داشت.

طالبان گفته اندمشکلاتی که مربوط خارجی‌ها می‌شود باید به صورت مستقیم این مشکلات میان این گروه وامریکا بررسی گرددو مشکلاتی که مربوط افغانستان، طالبان باوردارند که افغانان توانایی و آمادگی حل آن‌را دارند. طالبان درپیشنهادهات سیزده صفحه‌یی شان از فعالیت‌های مدنی در پرتواصول اسلامی و منافع ملی، آزادی بیان، حقوق زنان، تعلیم و تربیت اطفال، نگهداری از تأسیسات عام‌المنفعه، پروژه‌های بزرگ چون تایی حمایت کرده وروی خروج نیروهای خارجی از افغانستان و ایجاد یک نظام اسلامی تأکیدو گفته اند که خواهان روابط خوب با جامعهٔ جهانی است و با قوانین جهانی که با اصول اسلامی و منافع ملی افغان‌ها در تضاد نباشد، مخالفت ندارند.

داکتر فیض‌محمد زلاند استاد دانشگاه کابل که در نشست پگواش در دوحه شرکت کرده، گفت اشتراک کنندگان بصورت گسترده با شرط های طالبان مخالفت نشان ندادند. مسأله‌ایکه در این جلسه روی آن بحث شدو توافق نظرمیان نمایندگان طالبان و اشتراک کنندگان وجود نداشت، حضور نیروهای خارجی در افغانستان بود. افغان‌ها تضمین ندارند که هرگاه خارجيها(دنباله درص هشتم)



این چهار تن از کارکنان فنی تلویزیون طلوع، باسه همکار دیگرشان، توسط طالب انتحاری، در جادهٔ دارالامان شهر کابل به شهادت رسیدند، روان شان شاد باد .

ارسال پرونده های ده تن از مسئولان غوری به دادگاه

۲۶جنوری /فیروز کوه - نور تی وی: دادستانی ولایت غور پرونده های ده تن از مسئولان رایس از بررسی به دادگاه این ولایت فرستاده است. مسئولان دادستانی غور گفتند پرونده‌ها ازسوی سیما جوینده، والی پیشین غور به دادستانی رسیده بود، و اکنون پس از بررسی ها به دادگاه فرستاده شده است. عبدالمومن نصرت، سرپرست دادستانی استیفاف غور گفت پرونده هاشامل اعضای کمیته تدارکات وهیئت ارزیابی است و پرونده محمد امین توخی معاون والی غور هم در بین این افراد است، مدارک کافی هم به این اداره رسیده، که بیانگر اخذ رشوت و دیگر جرم ها از سوی این مسئولان محلی است.

ده فرد وابسته به طالبان در غزنی کشته شدند

۲۶جنوری /غزنی - نور تی وی:درپی عملیات تصفیوی نظامیان در ولایت غزنی ده طالب کشته وچهار تن آنان زخم برداشته اند. پلیس غزنی میگوید این عملیات به هدف بازگشای راه های مواصلاتی ولسوالیهای اجرستان، مالستان، ناهور، جاغوری و جغتو ازدیروز آغازشد. راههای این ولسوالیهابامرکزغزنی از چندی به اینسو، ازسوی طالبان مسدودشده . پلیس غزنی میگوید این عملیات به گونه مشترک از سوی ارتش، پلیس و امنیت ملی راه اندازی شده است.

امنیت ملی در دو هفته اخیر ۶ گروه تروریستی را بازداشت کرد

۲۶جنوری / کابل - نور تی وی : طی دوهفته اخیر ۶گروه تروریستی دستگیر شده‌اند. امنیت ملی بانشرخبرنامه میگوید این گروهادرولایات لوگر، کندهار، فاریاب، تخار وپکتیکا مصروف فعالیت‌های تروریستی تخریبی بودند. بادستگیری این گروه‌ها، ازعملی شدن برنامه های تخریبی و تروریستی جلوگیری شده است. افزون بر آن درپی عملیات‌های مشترک نظامیان، سه مخفیگاه جنگ افزار تروریستان نیز کشف شد. درین مخفیگاه ها، جنگ افزار های سبک و سنگین نگهداری می شده است .

بازداشت ۸تروریست دریوند به حمله بر کارمندان تلویزیون طلوع ۲۳جنوری / کابل - نور تی وی: امنیت ملی ۸تروریست را در یوند به حمله انتحاری بر کارمندان تلویزیون طلوع دستگیر کرد که وابسته به شبکه تروریستی حقانی اند، آنان درپی یک عملیات ویژه مأموران این ریاست از روستای حسین خیل ولسوالی بگرامی ولایت کابل بازداشت شده اند.

برگزاری فاتحه کارمندان تلویزیون طلوع

۲۴جنوری / کابل - بی بی سی: مراسم فاتحه‌خوانی ویادبود ۷ کارمند تلویزیون طلوع که چهار روز پیش در حمله انتحاری در کابل کشته شدند، امروز یکشنبه ۴دلو، درمسجد عیدگاه برگزارشد. درین مراسم احمدزی، کرزی و صدها مقام دولتی، فعالان مدنی، نمایندگان رسانه‌ها و شهروندان افغان شرکت کرده بودند. طالبان مسئولیت حمله به مبنی بس گروه رسانهای مویی را که مالک تلویزیون طلوع وچند رسانه دیگر در افغانستان میباشد، بر عهده گرفته است. غنی احمدزی پس از پایان مراسم به خبرنگار طلوع گفت: کسانی‌که دست به چنین فجایعی می زنند نه افغان هستند و نه مسلمان، نه به خدا باور دارند و نه به این ملت.

طالبان چندماه پیش تلویزیون طلوع و تلویزیون یک افغانستان را به دلیل آنچه عدم بیطرفی ایندو رسانه در جریان سقوط شهر قندز بدست این گروه خواند ، تهدید کرده و گفته بود به دفا تر و کارمندان آنها حمله خواهد کرد. حمله روز چهارشنبه به کارمندان طلوع که ۲۵ زخمی نیز بجاکداشت، باواکنش گسترده مردم، فعالان مدنی، رسانه های افغانستان و همچنین شماری از نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق خبرنگاران روبرو شد .شورای امنیت ملل متحد با محکوم کردن این حمله، خواهان پیگرد جدی عاملان آن شد وسازمان های دیدبان حقوق بشر، عفو بین‌الملل و خبرنگاران بدون مرز آن را محکوم کردند .

وزیر امور خارجه به چین سفر می کند

۲۳جنوری / کابل - باختر: قرار است صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه بنابر دعوت وانگ یی وزیر امور خارجه جمهوری چین فردا به آن کشور سفر نماید. این نخستین سفر ربانی بیعت وزیر امور خارجه، به چین بوده وقرارات درین سفر با مقامهای بلندرتبه چین منجمله وانگ یی وزیر امور خارجه آنکشور ملاقات نماید. در جریان این سفر، دوطرف روی اجرای توافقات صورت گرفته میان سران دو کشور و همچنان گسترش روابط دو جانبه و تقویت همکاریها درعرصه های اقتصادی، تجار تی، امنیتی و فرهنگی صحبت نمایند. ربانی وزیر امور به چین مجدداً اطمینان خواهد داد که افغانستان از چین واحد حمایت می نماید .



این چهار تن از کارکنان فنی تلویزیون طلوع، باسه همکار دیگرشان، توسط طالب انتحاری، در جادهٔ دارالامان شهر کابل به شهادت رسیدند، روان شان شاد باد .

فدراسیون ژورنالیستان و رسانه ها-۲۰ حدی را چهارشنبه سیاه در تاریخ رسانه های افغانستان نام گذاری کرد

۲۱ جنوری / کابل - باختر: شماری از کارکنان رسانه یی، فعالان جامعه مدنی وخبرنگاران در یک نشست خبری حمله تروریستی بر جان کارکنان تلویزیون طلوع رامحکوم کردند. درین حمله که روز گذشته اتفاق افتاد، تعدادی از کارکنان تلویزیون طلوع و شماری از هموطنان بی دفاع مان به شهادت رسیده و بیش از ۳۰ تن دیگر زخم برداشتند. فدراسیون ژورنالیستان به طالبان گفتند که آنها بهای این جنایت شانرا خواهند پرداخت. این فدراسیون باصدور اعلامیه گفت فدراسیون ژورنالیستان و رسانه های افغانستان حمله وحشیانه بر کارمندان تلویزیون طلوع را شد بدآ تقبیح نموده و این روز را به نام چهارشنبه سیاه در تاریخ رسانه یی افغانستان نام گذاری می کند.

گروه تروریستی طالبان با انجام این حمله وحشیانه وجنایت کارانه ثابت کردند که هیچگونه احترام و پابندی به ارزشهای انسانی، حقوق بشری و فعالیت‌های آزاد رسانه یی ندارند، و این جنایت آنهاشان دهنده ماهیت تروریستی این گروه هراس افکن ومتحجر میباشد. فدراسیون ژورنالیستان و رسانه های افغانستان در ابعاد مختلف ومراحل گوناگون به این جنایت ناخوشودنی گروه تروریستی طالبان پاسخ خواهند گفت و تصمیم مهم خود را با مردم در میان خواهند گذاشت .

این جنایت بزرگ و بی پیشینه، رابطه رسانه ها را با گروه تروریستی طالبان دگرگون خواهد نمود. طالبان تروریست بهای سنگینی برای این عمل ناخوشودنی شان خواهند پرداخت. رسانه از این پس در پالیسی و چگونگی پوشش اخبار طالبان تروریست ، تغییرات جدی را اعمال خواهند کرد.

فدراسیون ژورنالیستان و رسانه هاز رهبری حکومت وحدت ملی جدا تقاضا میکندمهره های گروه‌های تروریستی را که در درون نظام بوده وبه نفع آنان تبلیغ و برنامه ریزی مینمایند ، هر چه زودتر شناسایی نموده آنها را به محاکمه بکشاند. اعضای فدراسیون از هر گونه اقدامات قاطعانه دولت در برابر گروه های تروریستی، حمایت و پشتیبانی می کند .

درین نشست خبری صدیق الله توحیدی رئیس دیده بان آزاد، رحیم الله سمندر رئیس فدراسیون، فهم دشتی رئیس اجرائیه اتحادیه ملی خبرنگاران به سوالات خبرنگاران پاسخ گفته خواستار تدابیر بیشتر برای امنیت ومصونیت خبرنگاران شدندو هشدار دادند آندسته از رسانه هاییکه با مفاد اعلامیه فدراسیون ژورنالیستان و رسانه های افغانستان واقدامات پیگیرانه آن همراه و همگام نشوند ، از حمایت های این فدراسیون محروم خواهند شد .

کرزی لقب «پدر ملت» را ۱۷۰هزار دالر خرید

در گذشته ها، القاب کلان، از سوی هزاران شخصیت قومی و سیاسی، در لویه جرگه ها تصویب میشد. حالا اوضاع تغییر کرده است. گزارشنامه افغانستان حاکمیت که حامد کرزی رئیس جمهور پیشین، در بندوبستی بایش پرداخت و تقسیم مبلغ ۱۷۰ هزار دالر لقب(پدر ملت) را طی همایشی شاندار همراه بارقص و پایکوبی درهوتل سربنا، خریداری کرد. البته این اقدام امری طبیعی است و دریافت مبلغ ۴۲۰ هزار دالر از حساب بودجه یی بر رمق دولتی از سوی کرزی، باید به این طریق با شاخی باد شود .پخش خبر وریوداد، در واقع بکطر فقه خبری بود در تاریخ رسانه های افغانستان. شماری از جوانان نو سن، میانه سن (شهره به جامعه مدنی)وغافل از اوضاع گذشته وامروز مسئولیت یی اعتبارترین نوع (حاتم بخشی) را بر عهده گرفته وخبرنگاری بی سی(هارون نجفی زاده) وبانو آریانا سعید را شاهد ثقه آورده بودند.

در گزارش واصله از کابل آمده که کرزی از انزوای سیاسی رنج میبرد. مراسم پرمصرف خریداری لقب جعلی پدر ملت از بازار سیاه، درست زمانی اتفاق افتاد، که بعد از حادثه المناک کشتار کارمندان تلویزیون طلوع، سایه سوگواری در همه جا پهن بود. در گزارش قید شده که: چون برگزار کننده های مجلس، علی الظاهر چند مجموعه مدنی بودند، بر سر تقسیم پول، اختلافات پرسرو صدایی میان شان بروز کرده بود. منابع حاضر درین مجموعه ها گفتند بعضی کلاهبرداران با مبالغ هنگفت پول باقیمانده متواری شده اند. شماری از افراد شامل در قضیه (که از ذکر نام شان خودداری میشود) از این تقسیمات پول نذرانه وغنیمت ناراحت شده و در قفسوبک اظهار براءت کرده اند. در پایان گزارش گفته شده:(طبق منابع بعد از جلسه در مجلس این فعالان مدنی خیلی جنجال ویی آبرویی بر پا شده بود که حتی بعضی دختر خانمهاو فعالین خاتنها با پسران مشت و پخن شده وبا دستکول ها وچپلکا بالای بعضی پسران حمله آور شده و در نتیجه یکی سیرک درگیری شدید فیزیکی به وجود آمده بود.)«قتل از سایت همایون

داکتر نوید پارسا **چند نکته تامل بر انگیز**
* حکومت وحدت ملی جرادرمقابل اظهارات هماسلطانی ـدر صورتیکه واقعیت داشته باشد ـ خاموش است: مصونیت پارلمانی به معنی حمایت از تروریسم و پشتیبانی از باندهای وابسته به دولتهای خارجی نیست. هماسلطانی با تقدیرازدهشت افکنان وتوہین به شهدای منسوبین تلویزیون طلوع آنهارا (مردارشده‌ها)خطاب نموده است. این عضو پارلمان تمام تلاش نیروهای امنیتی مارا، درسرکوب تروریستها بااین تقدیرازطالبان، توہین میکند. مادهٔ ۱۸۲ قانون جزای افغانستان میگوید: (هرگاه شخصی در زمان جنگ روحیه ملی قوای مسلح دولت یامردم رابه نفع دشمن بهروسیله ایکه باشد متزلزل سازد یامعنویات ویاقدرت دفاعی آنراضعیف گردانند، به اعدام محکوم می گردد). اظهارات هماسلطانی تقدیر تروریست ها و توہین به نیروهای امنیتی ما می باشد. مجددا تا کید میکنم ؛ این بیانات هماسلطانی تقدیروتشویق تروریسم وجنایت ضدامنیت کشوربوده، جرم مشهوداست. بایدحکومت وحدت ملی بصورت عاجل مصونیت پارلمانی ویرا ازوی گرفته و بازداشتش کرده واتهامنامه جنایت ضدامنیت داخلی وهمکاری با دشمن را برعلیه وی مطابق ومادقانون تهیه نماید. نامت نیزدرباره رفع مصونیت پارلمانی به پارلمان بفرسند. درحالت جرم مشهود اجازه قبلی پارلمان ضرور نیست .

* دید وبازدید کرزی باعضای کمیسیون متقلب چنین نشان میدهد که در عقب صحنه یک توافق نوشته ناشدهٔ کودتاگونه برعلیه داکتر عبدالله وتلاشش برای اصلاحات انتخاباتی وجوددارد. فعالیت بیشرمانه وجرتت(اوقیگیری)وی درچیست: کتمان ازجنایات بزرگ اقتصادی ناشی ازسوءمدیریت کرزی، فاش نمودن جنایت ودستبرد به دارایی های عامه بشمول اختلاسهای بزرک، عدم افشای مالیاتی که خارج از بودجه، ازایران ودستگاههای استخباراتی بیرونی دریافت کرده به شمول فاش نکردن نحوه مصارف آن، تقویت طالبان در لوگر، رها نمودن زندانیان طالب که حال سربازان ومردم مارابه قتل می رسانند، عدم مراعات قانون اساسی... وسایرجنایاتی که طبق قوانین نافذہ کشورخیانت ملی اند، کرزی رامجال جلوه نمایی و (غر وفیش) داده است .

بصورت نمادین باید ازبرگرداندن نام میدان هوایی کابل به اساس یک تصمیم اداری به نام سابق بایداقدام شود. اماغنی که دراتרחیانت کرزی درتانی با فاشیستهای افغان ملتی و کمیسیون انتخابات روی قدرت آمده، این کار را نخواهد کرد، امابخش اجرایی میتواند باقرار دادن بخشی ازاسنادخیانت کرزی به شمول اختلاس بزرک در وزارت معارف(پاروک وردک) که با همدستی و آگاهی کرزی صورت گرفته، وبه ملیونها دالر میرسد، در دست روزنامه ها و سایر مراجع بصورت زیرزمینی این توطئه گرانلایق وجاھل وبائی فاشیسم نوین بعد ازسال ۲۰۰۱ را، وادار به توقف توطئه سازند. همچنان زمینه به دادگاه کشیدن این خائنین هم فراهم میشود، چرا که هیچ فردی ماورای قانون نیست.

* نورستانی رئیس نامتھاد کمیسیون انتخاباتی که مشروعیت خود را از دست داده، خودسرانه زمان انتخابات مجلس را اعلان میکند! من فکر مینمایم که درین حرکت کودتایی ضد عبدالله ، اصلاحات انتخاباتی وقانون ثبت احوال نفوس هسته پشتونی تفوق طلب قرار دارد. همیشه در مواردحساس طوریکه تاریخ سه دهه کشور نشان داده است راست وجب پشتون ها باهم متحد میشوند. ازین رو موقف ارگ، کرزی، نورستانی، یون، احدی وھمه فاشیستها یکسان میباشد. رسانه هاو یکعده منورینی که بامواضع ارگ و قصرسیدپار وامید واری هاییکه قصرسیدپاربرای اصلاحات وعده داده بود، دل بسته اند، انتظار جواب را دارند. نمیدانم که روی کدام مصلحت تیم اجرائیبه با اشارات غیرمستقیم اعلام قاطعیت دراصلاحات انتخاباتی مردم را اقناع کرده نمی توانند.

نورستانی بدون چراغ سزارگ روی صحنه نمی آمد. اظهارات داکتر عبدالله دشورای وزیران کافی نیست، باید کنفرانس مطبوعاتی بگیرد وپردہ از ابهامات بردارد. باید براعمال مشترک صلاحیت های رئیس جمهوری طبق توافق ۵۰/۵۰ تا کید کند. او که عمری راباشھید قهرمان ملی سپری نموده، این همه زبونی و محافظه کاری به وی نمی زبید.

* غنی مثل کرزی در بیانیہ خود فارسی و پشتو را (گد و ود) میکند! این سفیہ بزرگ دریانیہ خود به مناسبت سالگرد قانون اساسی، به حق آزادی پخش ودریافت اطلاعات شهروندان بی احترامی نموده است. بیشتراز نود درصدمردم فارسی می فھمند اما در حدوددهشتاد در صد نفوس بشمول پشتونهای شهر نشین پشتونی فھمند. ای بچه آدم! همه بیانیہ ات رابه فارسی ارایہ کن وبعدمستن پشتوی آنراکس دیگری بخواندو یامهمه رابه پشتویگو و بعد متن فارسی آن گفته شود. این حقیقت راهمه بشمول خودت می فھمی اما درحیرتم که چراچنین میکنی؟ از انورالحق احدی میترسی وبه خواست ملت و حق در یافت اطلاعات شان بی احترامی میکنی که خودتقضی قانون اساسی میباشد .

* معین فاروقی وردک (پتمن) درتلویزیون طلوع پرده از اختلاس های بزرگ در وزارت معارف برداشت! فکر مینمایم این نوع اظهارات آقای پتمن نوعی از آگاهی دادن وفاش ساختن اختلاسهای بزرگ وفساد بزرگ اداری می باشد. درقانون اجراءات جزایی یکی ازمواردی که موجب بر اه افتیدن یاتحریک دعوای جزایی میشود، آگاهی ودریافت (راپور) از ارتکاب جرم به سارنوال شناخته شده است. اگرحاکمیت قانون موجود میبود، می باید، بصورت عاجل تحریک دعوای جزایی برعلیه فاروقی وردک و اتسر وھر آن شخصیکه درین اختلاسهای بزرگ وجنابهای هولناک اقتصادی سھیم اند آغاز یابد.

ھردو بخش حکومت وحدت ملی بصورت مشترک مسئول پیگیری ازین جرایم می باشند. صداقت حکومت در به راه انداختن هم چون تعقیب جزایی به ملت ثابت میشود. ورنه خاموشی درقبال این اظهارات افشاء گرانه نظام را بیشتر ازیشترمنعیث یک نظام مافیایی سیاسی اقتصادی بوروکراتیک درذن همه شهروندان هویدامیاسازد. همچون حکومتی را(حکومت دزدسالاری) یا Kleptocracy نیزمی گویند./

(دنباله ازستون سوم) کهن و افغانستان نوین به سرکردگی محمد نعيم (سردار)؛ زده اند که امروزه توان آنرا جوانان پشتون از همه بیشتر میدهند. اگرچه جلو یک مقدار از این ویرانی و پسمانی در آموزش و پرورش افغانستان را وزیر دانشنمدمعارف وقت نجيب الله تورويانا گرفت. (تورويانا Tur.vā.yā.nā. نجيب الله فرزند محمد يونس، جلال آباد ٢٨١ اش امريکا (دنباله درصفحهٔ ششم)

Omair Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدير مسئول : محمدقوى كوشان

پروفیسر داکتر حمیدھادی
کرولا بنای شمالی
تبصرہ بر اقدامات جدید تاجیکستان
در طول تاریخ دین افراطی نظریه مقتضیات عصر و زمان و نوسانات سیاستهای بین المللی، سر فراز و نشیبی رابخود گرفته است. خصوصاً ازمدت پانزده سال به اینطرف یعنی بعداز حملهٔ تروریستهای القاعده بر نیویاک وواشنگتن، افراطیون اسلامی در شرق میانه، افغانستان و کشورهای دیگر اسلامی، به اوج فعالیتهای خود رسیده و برای تأمین مقاصد واهداف سیاسی، ازدین مقدس اسلام هیولایی ساخته اند و نزدیک است صدمات جبران ناپذیری براین دین بزرگ ودوم جهانی وارد کنند. بنابرین بعضی مسلمانان عاقل ودوراندیش درصدد دفاع از دین مقدس خود بر آمده و برای مقابله باافراطیون دینی آمادۀ مقابله شده اند. لئداباتکیه بر همین اصل، آقای امام علی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان باجرت خاصى دست به یک سلسله اقدامات مفیدزده است. حکومت وپارلمان تاجیکستان موضوعات ذیل رااعلان نموده اند :

– بنابر امر رئیس جمهور، ازدواج بین اعضاى نزدیک خانواده در آن کشور ممنوع قرار داده شده است. – زنان تاجیکستانى میتوانند به آزادى در خارج از منزل خودبدون داشتن حجاب به زندگى معمول ادامه دهند، و گشت و گذار نمایند. علاوتادولت حدود ۱۶۰ دکان فروش حجاب و روسرى رامسلود نموده است. – شبکهٔ انترنت جهانى مىرساند که حکومت تاجیکستان به تعداد سیزده هزار، ریش مردها راتراشیده است. – پارلمان تاجیکستان اعلام داشته تا مردم ازاستعمال نام هاى عربى ابا ورزند.

علت این اقدامات دولت تاجیکستان آن میباشد که باافراطیون دینی وخصوصاً آنچه در افغانستان وجود دارند، مقابله نموده وازانتشار عقیدهٔ کاذب و غیراسلامی این افراطیون، که رابطهٔ بادین حقیقی اسلام نداشته واستوار بر عنعنات وعرف اعراب وحشی قبل ازاسلام میباشد، جلوگیری بعمل آید. من نظریه اهمیت این موضوع وبخاطر ییدارى وروشن ساختن افکار عامه که قربانى ودستخوش اصلى این ایدئولوژى مزخرف میباشد، چندنکته رابعرض مىرسانم : دراجتماعات وکته هاى بیشرى عقب مانده ازقرن هاىه اینبطرف ازدواج بین اعضاى نزدیک خانواده ها صورت گرفته است. در بعضى از گوشه هاى جهان امروز ازدواج بین پدر ودختر وبابردار وخواهر صورت میگيرد. خداوند بزرگ در کتاب مقدس قرآن درین مورد درسورۀ نساءآیت ۲۳ چنین میفرماید: (بر شما حرام است به زن گرفتن: مادران تان و دختران تان و خواهران تان وعمه هاى تان وخاله هاى تان ودختران برادر تان ودختران خواهر تان ومادرانى که دایۀ شما بوده وبه شماشیر داده اندوخواهران هم شیر شما ومادر هاى زنان تان. همچنین دختراندر ها که در کنار شما هستند از زنانى که ازشوهر هاى پیشین داشتند وشما به آنها نزدیکى کرده اید. پس اگر با آن زنان نزدیکى نکرده اید، بر شما مانعى در ازدواج دختران شان نیست، وزنان پسر هاى شما که از پشت شما هستند وازدواج دوخواهر.)

علاوٓ تا محققین علم طب دررشتهٔ وراثت نشان داده اند که ازدواج بین پسران و دختران کا کا وماما وپسران ودختران عمه وخاله، خصوصاً وقبیکه تکلیف یا مریضى ارثى در بین این اعضابه شکل Autosomal Rcessive یا Polygenic باشد، عوارض ناگواری رادراطفال این پدرو مادر بارمى آورد. تحقیقات علمى راپور داده که طورعموم درین ازدواجها اطفال مصاب به عدم نشو ونمای کامل جسمى، تأخیر انکشاف استخوانها، ضعف دماغى یا تأخیر انکشاف مغزى، عقب ماندن در تعلیمات مکتب ودندانهای غیر نورمال میباشد.

بنابرین چه از نظر قرآنى وچه از نظر تحقیقات علمى چنین ازدواجها بین اعضاى نزدیک فامیل عوارض ناگواری رادراطفال بوجود آورده ولئذا تصمیم دولت تاجیکستان درین زمینه قابل حمایت میباشد.

موضوع دیگرى که رهبریت تاجیکستان بر آن انگشت انتقاد نهاده است، مسألهٔ حجاب در زن هامیباشد. دولت ۱۶۰ مغازهٔ فروش حجاب وروسرى رامسلود و زنان راجازه داده که در خارج از منزل بدون حجاب مشغول گشت و گذار کنند. امروز هیچ چیز دیگر به اندازهٔ حجاب زنان شکل اسلامى رابخود نگرفته است. حجاب به شکلى که امروز از طرف ملاها ومنابع دینى برای زنان توصیه ودر بعضى ممالک به زورقمچین براین طبقۀ مظلوم تحمیل میگردد، اساس قرآن ندارد. حجاب در زبان عربى معنی پوشاندن رادارد، حجاب در قرآن مجیدبه معنی پرده وباجدا کردن را دارد. ملاها برای اینکه زنان رادر هر عصر وزمان برای مقاصد سیاسى معروض به انحطاط فکرى نموده، تابوتاند بر آنها حکمروائى کنند، قرآن مبارک رابطور غلط تفسیر نموده اند. یابیداراجع به حجاب نظرى به قرآن مقدس بیندازیم. خداوند بزرگ درسورۀ احزاب آیت۵۳درابطه بامسلمین وزنان پیغمبر(ص) وحجاب میفرماید: (واگر از زنان پیغمبر متاعى بخواهید از پس پرده از آنها بخواهید، این کار شمارا پاک دارنده تراست برای دلهاى شماو دلهاى ایشان.) (تفسیر از حضرت خواجه عبدالله انصارى) خداوند بزرگ در سورۀ احزاب آیت ۵۹ میفرماید: (ای پیغمبر بگو به زنهای خود وبه دختر هایت وبه زنان مؤمنان تا روسرى هاى خویش فرارو هاى خود آورند که آنان آزادزنانند نه بردگان. این کار نزدیکتر است به اینکه آنانرا بهتر بشناسند وآزار ورنج ندهند وخداوند آمرزنده وبخشنده است.) (تفسیر از حضرت خواجه عبدالله انصارى). این آیت مبارکه به وضاحت نشان میدهد که هدف از کشیدن روسرى بر سر وروی آنست تا زنان مسلمان در محیط خشن ووحشى عرب از بردگان شناخته شوند ومورد آزار واذیت مردم آن زمان قرار نگیرند. درینجا امر نشده که تمام بدن زن از سرتاپا پوشانده شود. هدف از حجاب در آن زمان برای شناسایى زن مسلمان وتفریق آن از بردگان و اسیران بوده است.

خداوند تمتعال درسورۀ نور آیت ۳۱ میفرماید: (به زنان باایمان بگو(ای محمد) که چشم هاى شانرا فرو گیرند(پوشانند) وفرج هاى (عورت) شانرا از حرام حفظ نمایند و زبور وآراش خویش را آشکار ونمایان نکنند، مگر آنچه که پیدا ونمایان باشد (ماننددست وصورت)، وباید روسرى هارا تاپهلو آویزند(که مو، گردن وسینه پوشیده باشد) وآرایش خودرا نمایان نسازند جز برائى پدران وشوهران یابلدرشوهران یا پسران خود یا پسران شوهران یابرداران یابردارزادگان پسرباخواهر زادگان بسر یا زنان هم دینان خویش یا ازخريدها(کنیزها) یامردن ناتوان وثاقصى که با زنان کارى ندارند، یا کودکائى که هنوز بر زنان جیره نگشته اند، و نباید در راه رفتن پای بر زمین بزنند تا بلدانند (دنباله در صفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم مى كند :

محمد طاها كوشان
فرېمونټ ـ كاليفورنيا
درخواست از فرهیختگان دانشمند
در درازنای تاریخ پیدایش انسان، زبان ابزاری بوده برای همدیگر فهم چالشها و نیز آگاهی یافتن از گذشته ها. این زبان نخست با آواز ها، اشارات بعد گفتار و آهسته آهسته نوشتاری در روی پوست و استخوان حیوانات بدل شده است وبویژه بعد از پیدایش کاغذ این هنر نوشته و رسامی پایه پای گذشت زمان پرورش یافته و با پوست و خون و گوشت انسان آمیخته شده و این نوشت و خوان بدانجا سر برافراشته که نام و نشان، کیستی، چیستی و هستی ما وابسته به آن است. ناصر خسرو:

جان تو بر عالم علوی رسد چون کنی مر علم را با جان عجب این یک داد و گرفت روزمره در یافتن و آموختن و پس دادن خرد و اندیشه انسان هست از نوشتن و خواندن؛ هر آنقدری که پهنای دانش انسان گسترش می یابد به همان اندازه دامنهٔ ژرفای دبد ودرک حقیقت و احساس مسئولیت او وسعت یافته وانسان فرهیخته دانشمند راپاییند تمعشش در برابر خدا میهن وهم میهنانش استوار تر ساخته و پرهیز از کژیها، خرد واندیشه اورابه مدارج عالی انسانی میرساند. یعنی هر جای وزمانی اگر درک مینماید که بایددربرابر لجام گسیختگی و افراط و تفریط بایستد؛ با استواری می ایستد. عطار (رح)– مصیبت نامه : ای تعصب بندبندت کرده بند چند گوئی چند از هفتاد و اند در سلامت هفتصد ملت ز تو لیک هفتاد ودو پر علت ز تو بی تعصب گردویی تقلید شو شرک سوز وغرقه تو حید شو در میهن من ییدانثی ییدادمیکند. بزرگترین وبنیادی ترین سدر اه پیشرفت و بهزبستی هم میهنان مابویژه پشتونها بنابر توجه نکردن اولیا امور در گذشته ویا عمدا در آموزش وپرورش؛ همین ییدانثی است. حضرت مولاتای بلخ جلال الدین محمد(رح):

در کف هر کس اگر شمعى بدی اختلاف از گفتشان بیرون شدی در پیشینه های فرهنگی خراسان کهن و افغانستان نوین در خانه هر شهروند از دهلی تا قفقاز و ازسینککیانگ چین تا به کشورهای خلیج پنج کتاب– بوستان و گلستان سعدی (رح) بگونه حتمی در طایفه های خانه هاو نصاب تعلیمی مساجد وملاّرس وجودداشت. این نه استبداد بود بل زبانی بازرگانان بزرگ راه ابریشم بود که گرّه مشکلات همه مردمان این محدوده های بازرگانی را می گشاد. و در این میان داد و ستد فرهنگی نیز رخ میداد. پنج گنج :

چوشع از پی علم باید کداخت که بی علم نتوان خدا را شناخت میاموز جز علم گــر عاقلی که بی علم بودن بود غافلِ چین کلمۀ فارسی است و Chinaتاریخ همین کلمه مشتق شده ودرقرن ۱۸ میلادی توسط مارکوپولو دراوپا رواج پیدا کرده است. نام چین در زبان فارسی نیز از کلمه سانسکریت چینا (चीन)آمده است که بعنوان نامی برای این کشور در ۱۵۰ میلادی به کار رفته است.از ویکی پدیا، دانشنامهٔ آزاد.

رشید یاسمی در کتاب (کردان وتعلق قومی و تاریخی آنان)درصفحهٔ ۱۳۵) در باره این تحولات می نویسد: در زندگی معاملاتی و سیاسی سلیمانیه عراق زبان فارسی بکارمیرفت وتاسال ۹۲۱میلادی، تدریس در مدرسه های این شهر به زبان فارسی بود. بعد هم که تدریس فارسی ازملاّرس برچیده شد، کردها همچنان آثار سعدی، حافظ، نظامی، جامی و عطار رامیخواندند، آموزش فارسی از روی نان وحلوی شیخ بهایی صورت می گرفت. شاهنامه فردوسی که گویند دارای کیهان یکبست جز ازبندگی کردنت رای نیست جهاندار دهقان بزدان پرست جو بر واژه برسم بگیرد بدست زبان اردو : تا پیش از دوران تیموریان زبان فارسی در شبه قاره هند، بعنوان زبان داد وستد فراگیر شده بود. پس از آنکه نوادگان تیمور لنگ، امپراتوری مغولی هند یاگور کانیان هندرا ایجاد کردند زبان فارسی زبان رسمی این امپراتوری بزرگ شد. در سده های ۱۰ و ۱۱م، سربازان زیادی به ناحیه سند آمدند که به زبان های فارسی، ترکی، عربی و ... سخن میگفتند. در طول سالیان دراز از آمیزش این زبانها باهم و با زبان محلی مردم، زبان اردو فراگیر شد. اردو یک واژه ترکی به معنی لشکراست وبیانگر زبانی است که در میان سربازان رایج شد. ونیز باید گفت که همه خراسانیان پشتون یاافغان که در هندمیزبسته اندزبانشان فارسی بود. زبان اردو در کمترین سالها بابکار گیری از دو زبان استوار جاق و چله پراز گوشت فارسی و هندی جان گرفت و مورد استفاده میلوها انسان قرار گرفت. این از آنست که دست اندر کاران ساختن این زبان شاعران وسیاستگران دانشمند نجه و فرهیخته فارسی زبان و هندی زبان با اندوخته های شان از فرهنگ ودانش فارسی به بسیار آسانی چنین یک زبانی که همه این سربازان لشکری را بهم گره زد تا همدیگر شان را دانستند؛ رابوجود آورد وامروز زبان اردو یکی از شیرینترین زبانهای این گوشه ی جهان است.

شاهان مغلی وترکی چرازبان ترکی رامروج نساختند؟ چی در خراسان وچی در هندوستان؛ آنها میتوانستند بازور سر نیزه و سر بریدن و آتش زدن وحیوانیت وبربریت و وحشت بویژه که در آن زمان اینهمه دادو میدادو پشتیبانی وطرفداری از حقوق بشر؟! وجود نداشت؛ درسراسرقلمروهای امپراتوری شان می قبولاندند وزبان رسمی زور کی می ساختند.

آنها مردمان بسیار خردمند واندیشه گر و آینده نگر بودند. آنها زبانی را که پیش از پیدایش خودشان جان داشت وسرمایه و خریدار داشت رابرای پبیشبرد بازرگانی وسیاستهای خویش بر گزیدند وبه صدها سال حکومت نمودند و همه مردم خود را با همین زبان فارسی پارچه ای از تنه این درخت میدانستند؛ نه آقا و با غلام وبرده.

ترک جوشی کرده ام من نیم خام از حکیم غزنوی بشنو تمام مولاتای بلخ (رح)

اگر فرآورده های خرد واندیشه مولاتا جلال الدین محمد بلخی (رح) در مثنوی به فارسی نمی بود و اگر دیوان ابوالمعالنی میرزا عبدالقادر بیدل(رح) به فارسی نمی بود و رباعیات عمر خیام به فارسی نمی بود و و و ؛ امروزه چنین نام آوران پراوازه در جهان نمی بودند .

همین خانواده دیره دونی پیدانش وبیکاره آل یحیی با ییخردی و خودمحموری ودیوانکیها با برنامه های بسیاری اساس دکائی بنام پشتو وبشتونستان تیشه های بس محکمى دردرخت معارف و وحدت وبیکارچگی خراسان (ستون اول)

داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفري
تولد دوبارهٔ القاعده در افغانستان
الميدا - کاليفورنيا

نيويارک تايمز درشمارهٔ ۳۰ دسبر ۲۰۱۵ خودمقالهٔ رازِبر عنوان (ظهور مجدد القاعده درافغانستان، امریکارا شگفت زده ساخته) بقلم ابرک شمت و دیود سنجر، به نشر سپرده است. پس از تبصرهٔ کوتاه بر موضوع، برگردان فارسی مقاله خدمت تقدیم میگردد .

مردم افغانستان درسال ۲۰۰۱ با آمدن امریکاییها بسیار امیدوار شدند که باسرا زیرشدن ملباردها دالر، اوضاع عمومی بهتر میشود، کار خلی می گردد، شرایط زندگی تغییر چشمگیر میکند، اقتصاد مردم شگوفامیشود و امنیت تأمین میگردد، و افغانستان باکشورهای دیگر همگام میشود.

مردم آرزومند بودند که روزهای سیاه پایان می یابد، جنگ و جنجال ختم میگردد، قتل و قتال ویی امنیتی ازوطن رخت می بندد. امر یکابه صفت یگانه ابر قدرت جهانی میتواند جلوی اکستان را که منبع همه بد بختی مردم ماو مرکز تجمع، آموزش، تسلیح و تجهیز ترورستان القاعده، طالبان، شبکهٔ حقانی میباشد، میگيرد، نه تنهاافغانستان، بلکه منطقه ازشر کتافیکارهای حکومت و نظامیان پاکستان نجات مییابد. اما امریکادر تجاوزِ افغانستان درپی اجرای آجندای خود بود، و توجه چندانی به آرامی مردم مانداشت. آوردن نظام ریاستی و تطبیق سیستم بازار آزاد و گماشتن یک شخص فاسد بنام حامد کرزی در رأس دولت، خطا هایی بود که امریکا آگاهانه بدون در نظر داشت شرایط افغانستان مرتکب شد، و آن امیدهاو خوشبینیهای ۲۰۰۱ مردم رابه یأس تبدیل کرد.

پیش از رفتن امریکابه افغانستان، در آنجاشکلات زیادوجود داشت، مگر حضور امریکا وزعامت ۱۴سالهٔ کرزی، سطح مشکلات راجندین برابر افزایش داد. دزدی ملباردهاداری از کمکها، فساد اداری، رشوه، اختلاس، یعدالتی، قوم پرستی، تولیدو قاچاق موادمخدر، یکباری به حداعظمی خود رسیدواکنون در زمان زمامداری غنی احمدزی به شدت ادامه دارد. مردم بخصوص جوانان دسته دسته به آیندهٔ مجهول پراز مخاطره، تو هین و تحقیر، ازافغانستان فرار میکنند.

اکنون مردم فکر میکنند امریکایک سیاست چندبعدی وچندهدفی را پیش میبرد. در ایجاد القاعده، طالبان و اکنون داعش دست قوی دارد. اسامه بن لادن را تشویق و حمایت کرد که درجهادافغانستان ضدشوروی سهم بگیرد تا انتقام شکست فاحشی را که در ویتنام خورده بود، ازشوروی بگیرد. طالبان رابه حمایت و کمک عربستان و پاکستان رویکار آورد تا معضلهٔ افغانستان رادوامدار سازد، و زمینهٔ حضور خود را درافغانستان و منطقه دایمی سازد، داعش رابه کمک عربستان خلق نمود تا از آنها علیه ایران و سوریه استفاده کند، و نفوذ خود را بر کشورهای آسیای مرکزی که دارای ذخایر زیر زمینی عظیم میباشد، توسعه دهد.

اکنون امریکاکه آوازهٔ تولد دوبارهٔ القاعده را درافغانستان بالا کرده است، می خواهد به اهداف خود ذایل آید. اگر واقعاً امریکا القاعده، طالبان و داعش را دشمن خود بداند وصادقانه در نابودی شان اقدام کند، در مدت خیلی کوتاه همه را نابود ساخته میتواند. ابر گردان فارسی مقالهٔ نیویارک تايمزچنین است :

در حالیکه حکومت اوپاما در تلاش مقابله بادولت اسلامی (داعش) و طالبان میباشد، یک دشمن قدیمی(القاعده) درافغانستان در حال ظهور مجدداست. مراکز تریبوی القاعده درافغانستان رویه افزایش میباشد. وزارت دفاع ونهادهای استخباراتی امریکا راناگزیر ساخته که تحقیق نمایند آیا آن مراکز میتوانندبه محلات زایش حمله بر امریکامبدل شوند. بسیاری ازین مراکز درمقابسه با مرکزی که اسامه بن لادن پیش ازواقعهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ ایجاد کرده بود، کلان نمی باشد، ولی اگر چندسال پیش ایجاد میشدند، در اثاث اطلاعات استخباراتی روزانه به رئیس جمهور اوپاما، بصفت تهدید بالقوه معرفی میشدند و طرف حملات راکتی قرار میگرفتند. اکنون به باور مقامات رسمی امریکا، مراکز مذکور در نزد وزارت دفاع امریکا در اولویتهای جدی نمیباشند.

چنان معلوم میشود که خاصیت ار تهاجی (فتری) و مقاومت مهلک القاعده درافغانستان، مقامات رسمی امریکا رادر افغانستان غافلگیر نموده است. تاهمین فصل خزان(۲۰۱۵) مقامات امریکا عمدتاً آخرین رهبران ارشدالقاعده را هدف قرار میدادند که در ساحات مرزی و کوهستانی افغانستان پاکستان پنهان شده بودند. حکومت امریکادر بارهٔ چالش تازه و ستراتیژی مقاله باآلمان معلومات زیادی به مردم نمی دهد، در حالیکه به حکومت افغانستان کمک رسانده تا با افزایش تهدید بمقابله کند که از سوی طالبان، شبکهٔ حقانی ودولت اسلامی (داعش) براه انداخته شده است. ولی کسانیکه در حکومت سابق امریکا در خط اول مبارزه با القاعده بودند، تار هبران مرکزی آنرا نابود سازند، بی پرده درباره صحبت می نمایند.

مایکل مور، معاون پیشین سازمان سیا، مولف کتاب(جنگ بزرگ زمان ما) تلاشهای حکومت بوش و اوپاما راپیاد می آورد که قصد داشتند رهبری شبکهٔ القاعده رامحو نمایند. او ادعایمیکند(من نگران تولد دوبارهٔ القاعده درافغانستان میباشم که در فهرست اهداف شان امریکا شامل میباشد. همین خاطر ما بایداز ظهور دوبارهٔ طالبان در اندیشه باشیم که مثل پیش به القاعده محل امن آماده می سازند.) یک امور ارشد دیگر امریکا نظر متفاوت داردومیگو بدافزایش فعالیتهای القاعده بیشتر نتیجهٔ عملیات نظامی پاکستان بود که جنگجویان رابه ماورای مرزبداخل افغانستان سوق داد تااستخدام افغانها را داخل کشور.

در ماه اکتوبر کوماندوهای امریکا وافغان در حمایت حملات هوایی امریکا، مرکز تریبوی القاعده رادر جنوب افغانستان موردضربه قرار دادند. مرکز مذکور یکی از دومرکز تریبوی بود که ۳۰ میل مربع وسعت داشت وشامل تونل هاو استحکامات قوی بود. بقول مقامات امریکا در آن حمله ۲۰۰ جنگجوی وابسته به القاعده کشته شدند. مامورین ارشدادارهٔ امریکا اعتراف کردند که کمپها و پایگاه های دیگر هم وجود دارند که حد اقل یکی آنها در ولایت هیرمند موقعیت دارد. بخاطر حملات ماه اکتوبر، اکنون مشکل است شمار واقعی پایگاهها ومراکز واقعی آنها معلوم گردد. سخنگوی قوای نظامی امریکا درافغانستان، کرنیل لاهارن، طی یک ایمیل از دادن معلومات و اطلاعات کنونی استخباراتی دربارهٔ پایگاههای القاعده نکول ورزید. حملهٔ خزانى بردو پایگاه که در ساحات کم نفوس مرزی با پاکستان در ولایت قندهار صورت گرفت، ظاهراً برخى از وسایل وامكانات آن تا يك و نیم سال باقى مانده بود که استخبارات افغانى و طيارات نظارتى و کشفی امریکا آنرا کشف نکرده بودند .

جنرال جان کمبل سر قوماندان نظامی امریکادر افغانستان، در یک دیدار با این گزارشگر، دوهفته پیش بیان داشت: (بسیاری از آن وسایل را در یک گوشهٔ دور قندهار گذاشته بودند.) جنرال کمبل از ماهابه اینسو از حضور القاعده در مناطق مرزی افغانستان پاکستان هشدار میدهد. اودر ماه اکتوبر در کنگرهٔ امریکا گفت قوای امنیتی افغانستان توان ندارد القاعده رابصورت کامل از میان بردارد. جنرال در کنگره افزود القاعده تلاش ورزیده شبکهٔ حمایتی خود را باز سازی کند، با افزایش قابلیت ضربتی خود علیه منافع امریکا وغرب قرار گیرد. کمبل گفت فشار قوای امریکا و متحدان و افغانستان بر جنگجویان القاعده آنها را مجبور ساخت طرح حمله های آیندهٔ شان را بخاطر زنده ماندن خود به تعویق اندازند. آن فشارها خیلی ضروری بود که القاعده نتواند جای پای نو بخود پیدا کند .

کشف پایگاه بزرگ که مورد حمله قرار داده شده، اهلیت (دنباله در ص ۶)

داکتر احسان انتظار

شمارهٔ ۱۰۱۲

داکتر احسان انتظار
در بارهٔ فرهنگ (۷)

– برای فهمیدن بیشترین مطلب که افغانستان یک کشور ملیت هاست، قطعی چینی را مثال می آوریم که شامل چندین قطی خرد تر میباشد. قطی کلان آن افغانستان است، قطی خرد تر پشتونها ۴۰٪، قطی خرد تر از آن تاجیکها ۲۷٪، قطی کوچکز از آن هزاره ها ۱۸٪، قطی دیگران اوزبکها ۹٪ و همین ترتیب قطی های دیگر تر کمن ها، ایماق هاو غیره، خلاصهٔ مطلب آنکه در افغانستان پشتونها بزرگترین اقلیت هامیباشد و با اقلیتهای دیگر در یک قطی بزرگ افغانستان جا داده شده است و کشور افغانستان رامی سازند. (*)

– یک دانشمند امریکا بنام رابرت مکچسنی Rober McChesney این قطهارا به وجه بهتر تشریح میکندومیگوید: (سرحدات بین المللی افغانستان درده های اخیر قرن نژده تعیین گردید. این کار به ابتکار انگلیس وتشویش آن از سرحدات مستعمرات خویش در جنوب آسیا صورت گرفت، و کشور ملیت به میان آمد. این ملتهای گوناگون هیچگونه مشابه تاریخی باهم ندارند، به زبانهای مختلف تکلم میکنند و رسم ورواجهای جداگانه دارند. این تفاوتها بدی بود که در میانهٔ قرن نژده مردم قندهار کابلی هارابه مثابهٔ آلمانی ها یاچینی ها تلقی میکردند. اومی افزود که در داخل کشور احساس دولت ملی وواحد وجود نداشت، و مردم تعلقات خانوادگی، قومی وغیره دارند تا به وفاداری به کشور بطور کل، از همین لحاظ حملات خارجیهام جنبهٔ محلی داشته و تمام کشور در آن شرکت نکرده اند. هنگامی که باخارج برخورد ومقابله صورت گرفته، اکثراً خانوادگی، قومی ومذهبی محلی بوده است.) (رجوع شوده Kabul under Siege

طوریکه خواهیم دید، ملیگرایی درافغانستان از نگاه ملت سازی وامنیبت عواقب ناگوار ملی و بین المللی رادر قبال دارد. از نگاه داخلی و ملی باعث کشت وخون ووبرائی وغیره بدبختی هامیشود؛ واز نگاه بین المللی، ملیگرایی افغانها به خارجی هافر صت میدهد تا در امور داخلی افغانستان مداخله کنند. حملهٔ روسها (اتحادشوروی سابق) وحنگهای داخلی بعد از خروج روسها به خونریزی وتباهی بیشترین سر زمین منجر گردید.

– از ملیگرایی درافغانستان، به مثابهٔ وسیلهٔ بقا وزنده ماندن استفاده بعمل می آید دلیل آن هم اینست که افغانستان هیچوقت یک دولت ملی نبوده و نیست. در یک دولت ملی حاکمیت قانون موجود است ومردم از حقوقی برخوردار می باشند، آزادی بیان وگردهمایی مجاز میباشد، قوای سه گانه از هم جدا ومستقل میباشد وهیچکدام نمیتوانند بر دیگری نفوذ یا کنترل داشته باشد. احزاب سیاسی فعال میباشد و انتخابات شفاف، سری وعادلانه صورت میگيرد. در زمانی که افغانستان به یک دولت ملی مبدل نگردد، این ملیگرایی خانمانسوز دامنگیر مردم وسد راه صلح وثبات شکوفانی خواهد بود. آگاهی کامل از ملیگرایی در باز سازی، ایجاد بنیادهای دمو کراسی و مردم سالاری وتشکیل اردو و پلیس ملی نقش کلیدی دارد.

– نایندافرמוש کرد که ملیگرایی انسانها ذاتی نیست واز محیط کسب میشود بعبارۀ دیگر انسان با تعصبات زبانی، قومی، مذهبی وغیره بدنمایی آید، از همین لحاظ افغانهای به سن جوانی وحتى بعد از آن به جهان غرب مهاجر شده اند، درین جوامع از قوانین پیروی میکنند و از تعصب کار نمی گیرند. اما وقتی به افغانستان میروند از تعصب لسانی، قومی وغیره استفاده میکنند، زیرا در افغانستان حاکمیت قانون مستولی نیست. وقتی این افغانها دوباره به غرب می روند از قانون پیروی میکنند. خلاصهٔ کلام اینکه قصص در سیستم با نظام است نه اشخاص . ابعاد ملی گرایی درافغانستان : قبل از کودتای ثور وحملهٔ شوروی درافغانستان در سال ۱۹۷۹ سه نوع ملیگرایی در کشور موجود بود: قوم، مذهب (شیعه/ سنی) وسمت یا منطقه. اما بعد ازین حادثهٔ یک بعد دیگر در ملیگرایی افغانستان افزود شد یعنی ایدئالوژی(کمونیسم، اسلامگرایی وغیره).

۱- قوم مکرایی: Ethnicity قومیت نژاد وزبان هر دو رادر بر میگيرد. یک قوم دارای نام جمعی، شجره، زبان و تاریخ مشترک بوده، واز یک فرهنگ مشترک، حدود جغرافیای واحساس همبستگی برخوردار است. به اساس همین مشخصات است که یک قوم از اقوام مشخص وجدا شده میتواند. در افغانستان کلمهٔ (قوم) بقول دانشمند و شر قشناس فرانسوی Olivier Roy اولوی رای بیشتر از قبيله Tribe وغیره میباشد، بر علاوه چون همهٔ مردم افغانستان قبیله سالار نیستند، لذا کلمهٔ قوم نسبت به قبیله مناسبتر میباشد. به نظر موصوف قوم به گروهی از مردم اطلاق میشود که اعضای آن باهم ارتباط نزدیک داشته باشند، که میتواند شامل خانوادهٔ منمتد یا متصل Extended Family، یک گروه وقبیله، یک گروه شغلی(مثلاً مسگران) یا یک قریه باشد، یک قوم روابط خو شاوندی، خان/ رهبر و پیروان باشد، که یکدیگر را در موقع ضرورت کمک و یاری میکند. همچنان یک قوم پیش از آنکه جنبهٔ نژادی وزبانی داشته باشد، از همبستگی برخوردار است. رهبران اعضای همیشگی رادر مقابل تجاوز حکومت ودیگرا قوام حمایت وحفاظت میکنند، و در رقابتهای رهبری داخلی اشتراک مینمایند.) (رجوع شود به Olivier Roy 1994 p40)

– افغانها در سنین بسیار پایین از شجرهٔ قومی وقومیت خویش آگاهی مینابند، بعبارۀ دیگر، یک طفل افغان تا سن هفت سالگی میدانند که پشتون، تاجیک، هزارن و یا قوم دیگری میباشد. اقوام افغانستان از نگاه زبان، طرز لباس، خوراک، عبادت وحتى طرز دفن کردن اجساد مردگان باهم تفاوتهای دارند. این آگاهی در سنین پایین وخردسالی اهمیت بسز ا دارد . دلیل عمدهٔ آن هم اینست که قومیت در استخدام، تحصیلات، ازدواج، موقف اجتماعی، مصونیت ودیگر جهات مهم زندگی نقش برازنده وحیاتی دارد. اما بر عکس در جهان غرب و پشرفته هیت قومی ونژادی اهمیت چندانی ندارد. مثلاً در امریکا یک کودک تازنده بایست سالگی نمیداند که پدر کلان واجدادش فرانسوی، انگلیسی، هالندی، آلمانی وغیره است. دلیل آنهم طوریکه گفته شد، اینست که قومیت در استخدام، تحصیلات، پیشرفت ودیگرمسایل مهم زندگی هیچ ارتباطی ندارد. همه به اساس لیافت وشایستگی صورت میگيرد. بهمین ترتیب در تطبیق قانون نیز قوم ونژاد نقشی ندارد، وقانون بر همه بدون استثنا تطبیق میشود .

– قوم مکرایی یکی از خطرناکترین بعد ملیگرایی درافغانستان است. گاهی آتش آن در زیر خاکستر خموش بوده وگهی هم از خاکستریرون شد باعث کشتار وتباهی مردم کشور مابوده . وقتی موضوع اقام حاد شود این شعله ها بیشتر میشود، چنانچه در تاریخ معاصر کشور ما این شعله وری های قومی جان ومال مردم رابه مخاطره انداخته است. در تاریخ افغانستان خشونتهای قومی بیشتر بین پشتونها واقوام هزاره وتاجیک صورت گرفته است.

– امیر عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) در سالهای اول حکمرانی خویش بر قوم هزاره حملهٔ بزرگی رابره انداخت که باعث قتل صدها حتی هزاران نفر شد. اراضی هزاره ها رابه پشتونها داد، زنان هزارده در کابل به کنیزی در آورد و در نتیجه هزاره ها به غریب ترین مردم اقوام افغانستان تبدیل شدند.

در زمان حفیظ الله امین بعد از کودتای ثور ۱۹۷۸ هزارها پشتون را از لغمان و دیگر مناطق به بامیان فرستاد و صدها وحتى هزاران مردم وحتى اطفال بالاتر از سن هفت رابه گلوبه بست. من بعدا به درهٔ فولادی رفتم، درین راه شهر بامیان و درهٔ فولادی با هزاره هاییده میرفتم و آنها قصهٔ کشتار حفیظ الله امین رابه من بیان کردند. برای من سوراخ هایی را که توسط گوله در دیوارهای منازل شان ایجاد شده بود نشان دادند. بهمین ترتیب طالبان در سالهای ۱۹۹۰ (دنباله در صفحهٔ ششم)

صفحهٔ سوم

داکتر غلام محمد دستگیر
برومفیلد - کلورادو

الحاج امان الملک جلاله. سلام (۳)

یک گلهٔ دوستانهٔ ازین عالمان و دانشمندان دین واسلام شناس دارم؛ اینست که علم را تنها در محوطهٔ علوم دینی منحصر نساخته چون علمای متبحر ممالک دیگر به طب وساینس وفارمکولوژی و کمپیوتر وغیره نیز اجازهٔ حصه گرفتن در بهتر ساختن وسایل تعلیمی وتدریسی تفسیر قرآن پاک رامیسر سازند. متأسفم ازینکه اصلاحات در ترجمهٔ بعضی نباتاتی که در قرآن پاک تا کنون به نوع دیگر ترجمه و تدریس شده بود و با دلایل علمی موثق از طرف یک پروفیسر ممتاز خودما داکتر محمد شفیع یونس نشر شد، بعضی اینکه تقدیر شده از تحقیقاتش استقبال نیک صورت گیرد، بدون ارائهٔ دلیل موثق ومقنع فقط به پیروی از روش گذشتگان، بضد پیشنهادش انتقاداتیکه چندان مؤثر هم نبود، صورت گرفت. به آیت متبرکهٔ نمبر نهم سورة الزمر دقیق توجه فرمائید: قل هل ینستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون : (بگو آیا برابر میشوند آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند.) و در تفسیرش آمده ...: میان یک عالم واجهل یا یک خردمند و بیخرد تفاوتی نماند؛ مگر این نکته راهمان مردم میفهمند که الله تعالی به ایشان عقل داده است (تفسیر کابلی، چاپ جدید، جلد پنجم، صفحه ۳۹۰- ۳۹۱)

بنگريد قرضاوی در کتاب[سنت سرچشمهٔ دانش وتمدن]؛ ترجمهٔ عبدا لعزیز سلیمی در صفحه ۱۰۰ به دوام [التزام به ارزشها و ابتکار در علوم وفنون] چه مینویسد: اسلام باوجود اینکه در برابر زیاد و کم نمودن در اصول وارزشهای اساسی دین و ضرورت التزام به دستورات آن سختگیری و پافشاری مینماید اما، در ارتباط با امور دنیوی ومادی وعلمی وصنعتی، باب اختراع و ابتکار را بر همهٔ انسانها باز گذاشته است. بر اساس همین نگرش است که رسول خدا(ص) مسلمانان را به ابتکار در اسباب مفید و اختراع و نوآوری در آبادانی و سازندگی واصلاح ونوگرایی در عرصه های علمی وفنی وعملی تشویق نموده و در حدیثی که در احمد ومسلم، ترمذی، النسائی و ابن ماجه روایت شده فرموده اند: (هر کس راه و رسم خوبی در اسلام بوجود بیورد پاداش آن و پاداش کسانیکه پس از پایان عمر او به آن عمل میکنند، بدون آنکه چیزی از پاداش آن عمل کنندگان کم شود، از آن او خواهد بود.) بدین ملحوظ پروفیسر شفیع یونس ولو که پروفیسر سیرت به آن موافقت کند یا نکند، به اساس این حدیث مبارک کار شایستهٔ انجام داده که اصلاحات لغوی علمی وصحیح نباتات رادر ترجمه و تفسیر قرآن پاک پیشنهاد نموده که به یقین از پاداش نیک آن خیر جاری برخوردار شده است؛ من برایش تبریک میگویم. اقرا راباید کرد که دانش علمای امروز به مراتب پیشرفته تر وعمیقتر از دانش علمای تفسیر سابق که در علوم ساینتیفیک چندان معلومات نداشتند فرق فاحش داشته، که باید مد نظر گرفته شود.

در بارهٔ رول علمای دین در اروپا که یکی آنرا شما نمایندگی دارید و آقای سادات است، ادعا شده که گروپ کلان مجاهدین را به حکومت نجیب معرفی ساخت ودر اثر این راست یا دروغ اولیای امور آلمان را غولایند وشامل سوسیال شدهٔ انسان به این نتیجه میرسد که ما علمای دین به درجه های مختلف داریم که در یک نهایت علمای دینی سیاسی چون پروفیسر رسول سیاف، پروفیسر سیرت وحضرت صبغت الله مجددی است، و در نهایت دیگر گروهی هم دین را کسب تجارتی خود ساخته از راه خطبه هاو پروگرامهای تلوزیونی قسماً امرار حیات میکنند و اگر پول دینیشان نرسد آن پروگرام راتهدید به مسدود ساختن میکنند. برخی دیگر چون آقای ظاهر داعی اکتورهای خوبی اند که گریه های بدون اشک اما با واولا ویک چلی یا بلی گوی در پهلوداشته عوض وعط وتعلیم دین، از مردم افغانستان شکایت میکنند و مرگ حمید گل وملا عمر دشمنان اسلام ومسلمانکشان مردم غریب و بیچارهٔ ما اشک میریزد واز فسادو رشوه خوری وریجه بازی وتجاوز بر اطفال ویی عدالتها در حق زنها وتجاوز باکستانها و تحریب اسلام توسط سلفیها وهایون وطالب وداعش حرفی زبان نمی آورند. تعداد محدودی عالم دین نام نهاد چون آقای کوثر بوده از میدان عیش وموسیقی بسوی ملاگری سر بالا نموده مغرور بولداری خود است که نمیدانیم این مهاجر افغان در آسترالیا از کجایین پول را پیدا کرده، ولی خودش میداند و خدایش که آن پول وافراز کجا آمده است؟ ودیگران که: تعلیمات دینی ماندمحترم حاجی اکبر شیرزاد، محترم طاها حمید ودیگران تدریس نموده؛ من، فامیل و دوستان ما بینهایت از ایشان آموخته ایم، هم وجود دارند که خداوند برایشان اجر عظیم و طول عمر نصیب سارد.

سادات، کوثر، ظاهر داعی همهٔ اینها شفیع عیار رانکثیر نموده اند در حالیکه شفیع عیار در پروگرام ۱۳۵ ودر پروگرام اخیر خود ۲۴۴ در برابر ملیو نهامسلمان و مومن به زبان اقرار کرد که به خداوند واحد و یگانگی اوعقیده دارد، به پیامبری که به مافرستاده و به قرآنیکه توسط محمد بما فرستاده، ایمان دارد. تصدیق به قلبش نزدخودش است که هیچکسی بداخل قلب کس شده نمیتواند اما از ظواهر چنین برمیاید که شفیع عیار یک مرد مسلمان با ایمان، مهربان، وطن دوست و بضد دشمن دین و دنیای مردم غریب و ناتوان ما در یچهٔ مبارزه باز کرده است. به این اساس با شنیدن اقرار فوق از شفیع عیار برای دوبار او یک مرد ایماندار است که باید علمای نام نهاد ستیزه جو دست از سر او برداشته خود را براه مستقیم عیار ساخته، بعضی؛ تعلیمات دینی واسلام حقیقی را به نو نهالان ما تدریس نمایند . عبدالعزیز بن ناصر الجلیل که اثر (از ماست) که بر ماست) اورا (زمرک عابد) ترجمه نموده در صفحهٔ ۷۳- ۷۴ مینویسد: (...نه تنها اینکه این بیماری تکفیر نمودن، با قوت وشدت وجود دارد؛ و برخی علما مخالف مسلک شان فتوای ضل و مضل صادر میکنند، نتیجه آن میشود که حکومت سکولرستان (مانند ترکیه) فایز میشوند و مسلمانان راپیش از پیش به فتوایانها علیه یکدیگر تحریک وتحریص مینمایند. پس علما و داعیون باید متوجه این بیماری باشند و هر چه زودتر میتوانند با بدخود را معالجه کنند و به علاج دیگران نیز بپردازند ... در مسایلی که بنا به بشر بودن شان اشتباه و خطا کرده برایشان از الله (ج) مغفرت بخوایم وصورت صحیح آن مسایل را بر مردم طوری نشاندهی کنیم که به عظمت و علو شان آن بزرگمردان که در آن مسائل خطا کرده باشند برای کسی زمینهٔ خرده گیری واعتراض میسر نشود. اگر چنین روشی را اختیار کنیم یقیناً که هم خود را از هلاکت نجات داده ایم و هم مسلمانان را و هم حق علم و دعوت را بجا آورده ایم، و در غیر آن بدترین دشمنان اسلام و مسلمانان ما خواهیم بود که زمینهٔ انتشار (تکفیر) را در اسلام مساعد میسازیم و برای دشمنان موقع میدهیم که در رابطه به اسلام نقشه های مغرضانه ودشمنانهٔ خود را تطبیق نمایند (طالب و داعش خلق نمایند)، البته گلهٔ نداریم از علمای سونیکه دین را وسیلهٔ شکپوروی خود میسازند، وگلهٔ نداریم از آن منافقین ومکارانیکه ماسک دین را بروی خود گذاشته ودر پی تحریب دین میباشدو نه گلهٔ داریم از آن مرد نادان و جاهلی که جز شهوات وخواهشات نفسانی چیز دیگر نمی داندند، بلکه گلهٔ ما از آن علماء ومصلحینی است که در خدمت اسلام صادق و راستین هستند و به راستی میخوایند که دین اسلام در زندگی عملی مسلمانان پیاده شود...) امید آقا یونیکه فوقاً اسمای شان ذکر شد به این گفتار توجه عمیق مبذول دارند .

قرضاوی در کتاب (سنت سرچشمهٔ دانش وتمدن) که عبد العزیز سلیمی آنرا ترجمه نموده در صفحهٔ ۴۶ تحت عنوان (گفتگو بادگراندیشان) مینویسد: ... زمانی که وجود اختلاف را ستی از سنت های خداوند(دنباله در صفحهٔ ششم)

عبدالودود ظفري
الميدا - کالیفورنیا
داکتر خاموش به جاودانگی پیوست
(این بیانیه درهمایش بزرگ اعضای خانواده، دوستان و فرهنگیان که برای یاد آوری ازخدمات مرحوم داکتر محمداسلم خاموش، شام ۱۵ جنوری در سالون فلمنگو پالس، در شهر فریمونت شمال کالیفورنیا دایر شد، تقدیم شده است.)
خواهران عزیز، برادران ارجمند، دانشمندان محترم ! مامشب درینجامع شده ایم تا از یک شخصیت بزرگ قابل احترام، که اکنون در میان ما نیست، یادآوری کنیم و خاطراتش را گرامی بداریم .



جناب مرحوم داکتر محمداسلم خاموش، رئیس انجمن فرهنگی دانش، شام یکشنبه ۱۰ جنوری ۲۰۱۶ داعی اجل رالیک گفت وبه ابدیت پیوست.در حالی که جمع بزرگی ازاعضای خانواده، دوستان و آشنایان حاضر بودند، امروز ۱۵ جنوری در حظیرهٔ شهر هیواردمحترمانه پخاک سپرده شد.

من مرحوم ومغفور داکتر خاموش را ازسال ۱۹۶۱ میشناختم و آن زمانی بود که بایکدسته از فارغان دانشکدهٔ زراعت دانشگاه

کابل به وزارت زراعت و آبیاری

معرفی شدیم . داکتر خاموش مرحوم یکی از بلند پایگان وزارت زراعت بود که کارهای عمده رادر اصلاح و بهبود اوضاع مالداری افغانستان انجام داد وبه دریافت نشان مینه پال درجه اول نایل شده بود.

مرحوم داکتر خاموش بنابر گفتار خودش در اکثر ساحات افغانستان بویژه در مناطق مالداری، بخاطر کمک ورهمایی مالداران وطرز پرورش ونگهداشت حیوانات سفر کرده بود. او یک آدم مسلکی بودوبه مسلک خودباور کامل داشت، وازهمان راه میخواست دراعتلای وطن و آرایمی مردم سهم ارزنده داشته باشد. مرحومی دراجرای وظایف، یکی از موفق ترین وباقوذترین مامورین وزارت بود. ایشان شخصیت اجتماعی بود، روابط خیلی وسیع داشت، حلقهٔ دوستانش بسیار گسترده بود. در اکثریت نشستهاو کنفرانسیا که دربارهٔ افغانستان دایر میشد، اشتراک می ورزیدند ودربرخی به سخنرانی می پرداخت. مرحوم خاموش یک انسان گشاده رو وبسیار خوش خلق بود، بعضا نظر خودرابامزاح و مطایبه بیان مداشت، درصحت باوی به انسان خستگی رخ نمی داد. آدم وقت شناس بود، در مجالس انجمن فرهنگی دانش، پیشتر از همه حاضرمی شد که این یک صفت عالی انسانی خواست زندگی امروز بست. مرحوم داکتر خاموش شخص جواد وسخاوت پیشه بود. هنگام وقوع برف کوچ در پنجشیر که مردم زیادی رابکم مرگ فستاد، قریه هاوخانه هارا تخریب نمود، بعلاقهٔ کامل کمک پولی قابل ملاحظه نمود.

شادروان داکتر خاموش در بیان حقیقت هیچ پاک نداشت، به آنچه باور و اعتقاد پیدامیکرد بی پرده اظهارمی نمود. بسیار شیفتهٔ اعتلای وطن و آرایمی مردم بو، به بیشتر اوقات خودرابه شنیدن اخبار ومطالعهٔ مقالات دربارهٔ افغانستان سپری میکرد، طرفدار جدی برقراری عدالت اجتماعی در افغانستان بود، از زورگویی، سرتنبگی وتفق جویی نفرت داشت وهیچ وقت به بی منطقی تن نمی داد . مرحومی باخونواده درسال ۱۹۸۶ به پاکستان مهاجرت نمود، درپشاور در خدمت جهاد قرار گرفت. کورس نه ماههٔ معاون وترنر رابرای فارغان صنوف به ۱۲ کمک مؤسسهٔ افغان جرم ن تأسیس کرد، ودرسال۱۹۸۷ به امریکا مهاجرت نمود. مدتی رادر جورجیا ونیویارک سپری کرد. درسال ۱۹۹۵ به ایالت کالیفورنیابقل مکان نمود ودربی ایریا مسکن گرین شد. در مظاهرات ضد شوروی وپساتنرها در مظاهرات ضدپاکستان فعالانه اشتراک مینمود. مرحومی همراه باشماري از دوستان در تأسیس وتأمیل رادیو صدای افغانستان به مدیریت محترم محمد سعید فیضی، همکاری صادقانه کرد. رادیو صدای افغانستان طی هفت سال نشرات، صدای مردم افغانستان رادر دههٔ نود انعکاس داد.

وقتا گروه طالبان درسال ۱۹۹۶ بابورش بر دندشمالی، سوختاندن تا کستانها، مزارع وخانه ها، مردم رامجبوربه مهاجرت کردند، شمار زیادیشان بادستان خالی به داخل درهٔ پنجشیرفرار نمودند، که محتاج کمک آنی بودند. کمیتهٔ تساند به ریاست جناب مرحوم حاجی عبدالرحیم باعضویت مرحوم داکتر خاموش، محمدسعیدفیضی، شهید رحمانی، غیاث نشاط، طارق مهداوی و ظفری تشکیل شد تا باجمع آوری اعانه وپیدا کردن اسپانسر، مشکلات مهاجرین کاهش داده شود. کمیته قادر شد در جریان چندماه از طریق ارسال کمکهای نقدی واسپانسر شپ تاحدی مشکلات رافع کند. چنانچه زمانیکه اعضای کمیته در سال ۲۰۰۱ با مسعود شهید در پاریس دیدار داشتند، او باتشکر از کمیته بیان داشت: (اگر کمکهای برادران از امریکا نمی رسید، ماحتا در روزهای عیدمنی توانستیم از مهاجرین دستگیری کنیم.)

مرحوم داکتر خاموش بنابر باور عمیق به شعایر و فرهنگ اسلامی باهمراهی شماری از هموطنان در تأسیس مرکز اسلامی ابراهیم خلیل الله سعی بلیغ بخرج داد. عضویت انجمن سالنندان افغان رادری ایریاداشت ودر جلسات آن اشتراک می ورزید.

داکتر خاموش مرحوم وجمعی از هموطنان فرهنگدوست، انجمن فرهنگی دانش رادر سال ۱۴۰۸ ایجاد کردند. هیئت مدیرهٔ انجمن، مرحومی رادر همان سال بریاست انجمن انتخاب کرد که تا اخیر ادامه داشت. مرحوم داکتر خاموش با جریدهٔ امید که تاحال ۱۰۱۱ شماره به نشر رسیده است، ماهنامهٔ طلوع وسالنامهٔ انجمن سالنندان افغان در بی ایریا همکاری قلمی داشت. او یکی از مشتاقان وپیشگامان تجلیل سالروزشهادت مسعود قهرمان ملی بود که تاکنون هر سال بدون وقفه هتزاز سال پیش صورت میگیرد.

مرحوم داکتر خاموش در سال ۱۹۲۷ در فیض آباد بدخشان چشم به جهان کشود. پس از فراغت ازلیسهٔ غازی، از طرف وزارت معارف برای تحصیلات عالی در رشتهٔ مالداری در سال ۱۹۴۵ به هندبر تانوی اعزام شد. بعداز پنجسسال تحصیل در دانشگاه پنجاب، بوطن بازگشت ودروزارت زراعت بکار گماشته شد. در جریان ماموریت، در کورسهای کاه تاه مدت ومیان مدت در رشته های تهیهٔ واکسن طاعون گاو، پرازیت کرم جگر وامراض ویروسی حیوانی درهند، انگلستان وایران اشتراک نمود وسطح دانش مسلکی خود راافزود. با استفاده از یک بورس تحصیلی در سال ۱۹۶۵ ازدانشگاه واشنگتن درشتهٔ خورا کهٔ حیوانی به دریافت ماستری نایل شد ودر سال ۱۹۷۲ با کمال شرایط، داکتری خود را از یکی ازدانشگاههای کشور بلغاریه حاصل کرد.

مرحوم خاموش به نمایندگی ازوزارت زراعت در ۲۲ کنفرانس بین المللی در مواد خورا کهٔ حیوانی، صحت حیوانی، تولیدات حیوانی وامراض حیوانی درهند، قبرس، تایلند، سوریه، مصر، فرانسه، ایران، شوروی، آستریا وایتالیا در بین سال های ۱۹۷۰-۱۹۵۳ اشتراک ورزید. در جریان وظیفه(دنباله در ستون ۳)

تسلیت نامه ها بخاطر وفات جناب داکتر خاموش در ماتم یک «مرد» :

دو روز پیش اطلاع یافتم که شخصیت بزرگوار کشور داکتر محمد اسلم خاموش در بستر بیماری است. برایش زنگ زدم، دیدم که تلفون شان خاموش است؛ امروز شنیدم که به ابدیت پیوسته است.

داکتر خاموش چه زمانی که در وزارت زراعت وظیفه داشت، چه در دانشگاه کابل و چه در محیط هجرت، مصدر خدماتی گردیده که هرگز فراموش نخواهد شد.

اما اساسی ترین عنصر شخصیت آن دوست بزرگوار و صمیمی، عیاری و جوانمردی ایشان بود. واژهٔ مرد پیش از آن که مفهومی بیسولوژیک و یا گرماری باشد، دارای بار فرهنگی و شخصیتی است. با مرگ داکتر خاموش نحلی در بوستان جوانمردی فروغلتید.

مرگ ایشان را به برادر عزیزم فریدون جان و همه دوستان ایشان تسلیت عرض می کنم .
خواجه بشیر احمد انصاری ، نکساس



خواجه بشیر احمد انصاری با شادروان داکتر محمداسلم خاموش نامهٔ تسلیت

با کمال تأسف وتألم عمیق از فوت شخصیت وطندوست، مردمدوست، صادق، متدین، دموکرات، نویسندهٔ توانا وازخدام سابقه دار مبین عزیز، مرحوم مغفور داکتر محمداسلم خاموش آگاه شدم، که سبب تأثر عمیق جامعهٔ افغانی گردید. بدین وسیله مراتب تسلیت وتعزیت خود، اعضای فامیل وجمع غفیری از افغانهای نیویارک وحومه، و مهاجرین درپشاور را تقدیم می دارم. من وفات این شخصیت دانشمند راضایعهٔ ملی برای ملت باشاهمت مان می شمارم. روح شان شادباد.صفی الله التزام، ژورنالیست میدیای آزادافغان در امریکا، نیویارک سید آقا هنری

چراغی از آسمان خراسان خاموش شد
اوائلی سال ۱۹۶۴ م بود تازه رژیم مطلق العنانی داؤد خان واخانش برچیده شده بود، ترس ورعبی که حتی جرئت این نبود، که گفته بتوانیم لیونی داؤود استعفاء کرده غلام حیدر عدالت محمد زابی تبار که یکی ازوزرای درجه اول وی بود، جای خود را به داکتر ناصر عمر کشاورز مردمردم تبار داده بود، بنده متعلم مکتب سماعی وصری دروزارت زراعت بودم واولین سال پرنکتیک ما به استادی پروفیسر هروارد کرسی به صفحات شمال وطن عزیز برای افتتاح جشن دهقان بود، مالدارانی که درماه هایی سرد زمستان از حیوانات خود به خوبی نگه داری کرده بودند مستحق جوایزی درجه اول دوم و سوم میشدند برای شان داده می شد. این هیئت تقریبا سی نفر شاملی متخصصینی خارجی و داخلی رؤسای مالداری ترویج سبز یجات، حیوبات تربیهٔ حیوانات وچند نفر مدیر هایی عمومی ومأمورینی از همین رشته ها بودند که رئیس عمومی هیئت داکتر محمد اسلم خاموش بود.

درو لایات شمال بای ها و خان ها باهم هم چشمی هایی داشتند که هریک از آنها می خواست اسب یا گاوش درجه اول اعلان شود، یکی از دریوران ما جانی نام داشت از ولایت لوگروخیلی شیک پوش بود نکثایی میزد چشم های سبز، موهای زرد وجهرهٔ سرخی داشت کلاهی شیو در سرمی گذاشت مردم فکر می کردند، که یکی از رؤساست، باری در ولایت مزارشریف بایی نزدش آمده و گفت جایزهٔ اسبی درجه اول پنج هزار افغانی است اسب من درجه دوم شده آنرا درجه اول اعلان کنید من پنج هزار دگر هم برای تان می دهم، این خبر به گوش داکتر اسلم خاموش رسید به فخر و غضب بالای در یورداد زد و گفت اگر عیال دار نبودی همین حالا بر طرف می کردم دگر چنین احمقی رانکی.

وی مردی از تبار خراسان زمین، شجاع، پاکدل، بازرستان مهربان، صادق، وطندوست وخدا پرست بود.

ده ها سال بین ما جدایی افتاد ومهرچنین فرزانهٔ در دلم نقش بسته بود تا اینکه سراغش را از هم رزمش قوی کوتان جوانمرد که شیرینی اش از عسل هم شیرین تر است، یافتم، خدمت شان عرض سلام وادب نثار کردم نشانی گفتم که چند روزی امانتی را که نزد در ولایت قندز گذاشته وخود شان جهت بریایی جشن دهقان به ولایت تخار رفته بودند گفتم، خندیدند و گفتند حالا به یادم آمدی، از آن به بعد همیشه جویای احوال شان بودم وهمرازشدیم مرا به نوشن زیاد ترغیب میکردند وهییش در دهای از وطن وخیانتهای خاندان غدار نادری ویورش طالبان پاکستانی را برپایم تلفونی باز میگفتند، که چند تا از درد دل شانرا روی صفحات جریدهٔ مردمی امید به مدیریت اندیوال قوی کوشان آوردم.

آخرین قصهٔ داکتر خاموش برایم این بود، در ایامی حکومت شاه محمود خان روزی نزد دوستم که یکی از رؤسای گمرک کابل بود رفتم قطارهای موتر بدفورد اشترنگ چیه را دیدم پرسیدم این ها مال کیست گفت این تحایفی صدراعظم صاحب برای دوستان سرحلی شان است بعدها خبرشدم که چند صدعراده از این موتر ها به طرف جنوب وطن ما روان شد.

خدواندا به عزت پاکی خود این پاکمرد را ییامرز ویرای بازماندگان و دوستانش صبر جمیل عطا کن./

در آندوه سه هنرمند
(دنباله از صفحهٔ هشتم)

علی خان واستاد سلامت علی خان به شاگردی نشست. برادران بعداز آنکه بوطن عودت نمودند به شکل دو گانه به ثبت آهنگهای کلاسیک و تهمری آغاز کرده وخوب درخشیدند.استادسلیم بخش در آرشیف رادیو تلویزیون افغانستان بیش از ۱۴۰ پارچه آهنگ دارد.مدتی بود که استادسلیم بخش ازمریض شکر رنج می برد، تا اینکه باسکنه مغزی درپشاوروفات یافت. جنازه در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. در مراسم جنازهٔ ازوزارت اطلاعات وفرهنگ کسی حضور نداشت، صرف رئیس رادیو تلویزیون ملی در مسجد عیدگاه حضور پیدا نمود ولی وقت تشیع جنازه استاد گرامی را تا شهدای صالحین نداشت .

(محمدحیدر اختر) ناشر ننگین وفات این بزرگان حوزهٔ هنر را به خانواده های ایشان وبه جامعهٔ فرهنگی تسلیت میگوبد، و کارکنان امیدنیز به بازماندگان هر سه هنرمند تسلیت می گویند .



نسبت برفیاری های هفتهٔ پیش، نگارش جناب پروفیسر داکتر عبدالواسع لطیفی در معرفی نشرات تازه، به ادارهٔ امید نرسید، ولی خوشبختانه جناب داکتر عنایت الله شهرانی یحیی جالب دربارهٔ کتاب ارزندهٔ (سرنشینان کشتی مرگ، یا زندانیان قلعهٔ ارگ) نگاشتهٔ مبارز نامدار مبین، شادروان عبدالصبور غفوری، نگاشته و فکس کردند، که حاوی گوشه های خاطرات جانگداز آن بزرگوار ازدوران زندانش به قلم آورده بود. روانش شاد !

داکتر عنایت الله شهرانی
بلو منگن - اندپانا

یادی از خاطرات روانشد غفوری
در کتاب (سرنشینان کشتی مرگ بازندانیان قلعهٔ ارگ) خاطره نویسی هایی که بروی حقیقت ذکر گردد، واقعأ پرارزش می باشند. بیشتر از ده سال می گذرد که خاطرات جنت مکان عبدالصبور غفوری، از محبوسین سیاسی راجناب عبدالقیوم غفوری چاپ وبه دسترس مردم قرارداده اند. نوشتهٔ مرحوم غفوری که همه از روی شواهد وچشمدیدهای خودش می باشد، توسط نویسندهٔ مقتدر واز شخصیتهای برازنده وبرجستهٔ افغانستان استاد نصیر مهربن به اهتمام رسیده است. استاد نصیر مهربن از آن شخصیتهای بزرگ وطن است که بخودی خود، یک گوشهٔ بسیار مهم تاریخ وطن را بامقالات و کتابهای زیاد به رشتهٔ تحریر در آورده وجنایات وخیانات انکارناپذیر حکام متأخر را برملا ساخته است.

مرحوم عبدالصبور غفوری، در میان همهٔ محبوسین سیاسی، متوجه گذاشتن یک یادگار عمده شده بود، که باید از کار کردهای حکومت وقت به بازماندگان گذاشته میشد . او بامیرزا مهدی خان چنداولی، منشی شاه امان الله خان هم اتاق در محبس بود وباخونادهٔ محترم چرخي ها روزهاوشهارا در زندان سپری نموده است، وازشهادت هر کدام وازقتل محمدنادرشاه خان گفته ها دارد.

من نخواستم دربارهٔ کتاب مرحوم غفوری نقد بنویسم، بدون تردید یک شهکار است وآن شهکار را استاد مهربن رنگ خاصی بخشیده است. درینجا فقط چند نقل کوتاه از آن کتاب ارزنده رامی آورم، تا خوانندگان بدانند که مردم افغانستان بعداز دوران امیر عبدالرحمن خان تاکنون درچه حالی قراردارند وجمله غرق خون میباشند :

(مشکل اینست که این جراحی بدون بیهوش کردن اجرا میشود، مجروح در زیر عملیات داکتر خودبخود بیهوش میشود.) (ص ۲۸۵)، (وضع پربشان وجهره های زرد وموهای ژولیدهٔ محبوسین هریبندهٔ تازه وارد زندان رامیترساند. از اتاق های کشته شدگان بوی مرگ در دهلیزها به مشام میرسد، اشتهای خوردن نان برای هیچ محبوس باقی نمانده است...)

(جلاد های فخری ز یادبود، اول پدر عبدالحاق ومامو اکاکای اورا پیش چشم اوغرغره کردند. عبدالحاقی هیچ بطرف شان ندید، هر قدر که همراهی برجه اورا چکه کردند وگفتند پدرت را تماشا کن، مامایت راببین، کاکایت راسبل کن، عبدالحاقی چشم خود را از زمین بالا نکرد.) (دربارهٔ قتل عبدالحاقی خان قاتل محمد نادرشاه خان)، [سیدشریف خان باور وچندنفراز منصبداران سمت جنوبی همراهی خود چاقوهای تیز کماندار آورده بودند، سیدشریف خان انگشت دست راست او (عبدالحاقی خان هزاره) را که همراهی آن فیر کرده بود برید، ویکنفر چشم راست اورا که همراهی آن نشان گرفته بو، همراهی چاقو از کاسه خانه بیرون کرد، ویکنفر جاجی بینی اورا همراهی چاقو برید، ویکنفر دیگر هردو گوش اورا برید. خون مثل جوی از وجوداو (عبدالحاقی) جاری شد ومثل یک گنجشک جرجر میکرد، وسیاهی گاردشاهی با برچه های خود اورا پاره پاره کردند وبه شکل یک پارچهٔ گوشت خون آلود درخون شورمی خورد تا آخر کم کم جان داد. مرده هارا سربه سر در جر انداختند، بعد بالای شان خاک انداختند.] (ص ۲۷۷)

[دیدم مامور سراج الدین از اعدام محکومین مرگ فراغت یافته... و تنبور را گرفته تنبور میزند (این شخص مامور مجلس است که همه قفل هارا در پیش چشم مشاهده کرده است واینک تنبوری نوازد)، گفتم: محمولی خان(منظور شاه محمد ولیخان دروازی وکیل امان الله خان) درجملهٔ این نفر ها کشته شد؟ گفت بلی، گفتم جسد آنهاچه شد؟ گفت جسدوکیل صاحب را یکنفراز نوکر های او وجسد فقیر احمد را پدر ریش سفیدش وجسد مهدی خان رایکععدد از خوشان او بردند. جسد غلام جیلانی خان وشیر احمد خان رادر پهلوی قبر غلام نبی خان در یک گوشهٔ خانهٔ شان در اندرابی دفن کردند.] (ص ۲۴۵)

[خوف مرگ همه را فرا گرفته است، از در و دیوار زندان ارگ مرگ می بارد، اتاقهای کشته شدگان را قفل کرده اند... قرار اظهار مامور یک تعداد دیگر هم کشته میشوند، درهر اتاق حلوا پخته شده وبه ارواح مقتولین فاتحه کردند.] (۲۴۵)
خوانندگان گرامی شما بخوانید کتاب (زندانی خاطرات) جنت مکان استاد محمد هاشم زمانی را، و بخوانید سه کتاب خاطرات شخصیت محترم جناب خالد صدیق چرخي را، و بدانید که مامردم افغانستان از یک صدمو پنجاه سال به انبطرف خون میخوریم وهمه بدبخت بودیم وهستیم، و خداوند بر حال ما رحم فرماید. آمین /

به حیث رئیس عمومی مالداری و وترنری، به تأسیس دولابرا اتوار مجهز تشخیص امراض وتولید واکسین حیوانی توفیق یافت. ۲۶ کلینیک حیوانی رادر ولایات کشور بنهاد، فارم مرغداری بگرامی را به طرفیت چهار صد هزار مرغ تأسیس کرد، ستیشن پبله وری دارالامان، پروژهٔ تربیهٔ ماهی در تنگهار ودستگاه پراسس شیر رادر گذرگاه کابل ایجاد نمود، در وجود آوردن مسلخ هرات کمک زیاد کرد.

پس از کودتای مرحوم داوودخان، دردانشکدهٔ وترنری کابل به تدریس پرداخت. مضمون پرازنیتولوژی رادر صنف سوم ومضمن طب عدلی رادر صنف پنجم تدریس میکرد. کتاب سیر تدریجی انکشاف پنجاه سالهٔ وترنری در افغانستان، کتاب طب عدلی وترنری، کتاب قانون بین امللی وترنری، کتاب پرازنیتولوژی ونصاب تعلیمی دانشکدهٔ وترنری راهمکاری کارشناسان موسسه خورا که وزراعت جهان تدوین کرد .

نبود داکتر محمداسلم خاموش یک ضایعهٔ بزرگ برای خانواده، دوستان و جامعهٔ مامیباشد. مایک دوست عزیز، وجامعهٔ مایک فعال اجتماعی وفرهنگی خود را از دست داد.

از مرحومی دوپسر، شش دختر و سی ویک نواسه پجای مانده است. اکثر نواسه هابه درجات بلند تعلیمی نایل شده اند. من در حالیکه روح بزرگ داکتر خاموش را غرق در رحمت بیکران خداوندلایزال می خواهم، به همایون جان خاموش وفریدون جان خاموش، دختران ونسوه هاو تمامی وابستگان مرحومی تسلیت عرض مینمایم وبرای همه صبر جمیل آرزو میکنم./

اداره : همکاران قلمی و اداری هفته نامهٔ امید، وفات همکار دانشمندو گرامی ومهربان خویش را ضایعهٔ جبران ناپذیر بشمرده، باتحاف دعایه روان داکتر خاموش عزیز، تسلیت های صمیمانهٔ خویش را به همهٔ بازماندگان شان بویژه جناب فریدون خاموش ابراز میکنند، و صبر جمیل برایشان خواهانند./

انجنیر عبدالصبور فروزان **سخنی چنداز اندیشه های مسعود**(رح)(بخش هفتم)
نیو جرسی رضا دقتی خبرنگار نشل جیو گرافی که احمدشاه مسعودرا دوسفرش در اپریل ۲۰۰۱ درفرانسه همراهی مینمود، میگویددردیک ملاقات دوستانه مسعود برایم گفت سران کشورهای اروپایی که شامل جامعهٔ اروپا میباشند، ازطریق نماینده های خاص شان دریک مجلس خصوصی درپاریس ازمن خواهش کردند تااجازه بدهم قوای نظامی به افغانستان ارسال بدارند، باطالبان جنگیده و ایشانرازین ببرند. رضا دقتی میگوید مسعودبرایم گفت: (من برایشان گفتم من بههیچ صورت اجازه نمیدهم، اگرشمارپاکستان فشار بیاورید که ازحمایهٔ طالبان دست بردارد، طالبان بخودی خود ازین میروند، به قوای بیگانه ضرورتی نیست، ماتوان مقابله علیه طالبان ودفاع ازوطن خودرا داریم، قوای بیگانه مشکلات ما رازبادمیسازد.)

این طرزدیدشهیدآمرصاحب به اندازهٔ به حالت وطن دقیق ویجاست که در طی چهارده سال بعدازشهادتش، چهل ودو کشورمقتدر، متمول و پیشرفتهٔ جهان با همه امکانات نظامی وتجهیزات جنگی وباصرف بلیونهدالروقربانی هزاران تن از سربازان شان، نتوانستندحتی یک امنیت نسبی رادرافغانستان بیاورند، وباشراوت طالبان مزدوررا حداقل تضعیف نمایند. رضادقتی میگوید که من به مسعود گفتم: (آمرصاحب اجازه بدهید تااین کشورهاقوای خودرا روان کنندوطالبان رابکلی ازین ببرند و کارشمارآسان سازند) مسعود درپاسخ گفت:(هرگزنه، اینهاهمه اهداف ومراههای خودرا دارند، شکست طالبان بدست مردم افغانستان است.)

شهیداحمدشاه مسعوددخوب میدانست هریک ازین کشورهااهداف ومنافع خودرادراین پیشنهاد جستجویی نمایند، چنانچه اوضاع درهم وبرهم ویی ثبات و بی امنیت در کشور بعدازچهارده سال، نشان میدهد که وعده و پیمان این کشورها دورازآنچه که ادعایمی شد، بوده ودردرکلرد آنان صداقت وراستی وجود نداشت، افغانستان همان طور که نارام بود، نارام ماند وطالبان شریرتر ودهشت افگنترشدند. این بازی چهارده ساله وحادثهٔ اخیردر قندز نشان داد که هیچیک ازین کشورهانه امنیت اوضاع رادرافغانستان می خواستندونه بهبودزندگی مردم آنرا، ونه میخواندند که طالبان ازین بروند. بهراندازهٔ که به اوضاع این چهارده سالهٔ حضورقوای نظامی کشورهای اجنبی دقیقتر میشویم، بهمان اندازه به صدق طرز دیدآمرصاحب شهید قرب ربنتمی گردیم، که وجودقوتهای نظامی بیگانه درکشور به نفع وطن ومردم ما نبوده، وجودآنهاوضعیت وطن مارا بدتر و زندگی مردم مارا رقتبار ساخته ومیسازد.

حاصل چهارده سال حضورنظامی این کشورهادروطن ماجیزی جزازاحداث چندپایگاه نظامی امریکا وانگلیس در نقاط مختلف کشور، تضعیف توانمندی دفاعی کشور، تقویهٔ طالبان و بلندبردن قدرت نظامی پاکستان، نمیباشد. چنانچه پاکستان طی چندسال اخیرباسفاده از کمک نظامی سالانه یک بلیون دالری امریکاقدرت پرتاب گلوله های زرهی اش را که قبلاّلی هندوستان بود، به فاصله های خیلی دور تر ازهندوستان انکشاف داده است، که خطرجدی برای کشورهای اروپایی، روسیه وحتی خودامریکا میباشد .

ولی درطی این مدت هزاران هموطن بیگناه ماحه توسط عملیات دهشت افگانه و انتحاری طالبان ددمشن وجه توسط عملیات قطعات نظامی امریکوسایر کشورها شهیدشده اند، واین اظهارمن الشمس است، که ازهمان نخستین آوان لشکر کشی امریکاطرف جنگ طالبان بودند که مردم ما ازظلم واستبدادایشان به ستوه آمده وبخاطر طرداین گروه دهشت افگی وشریر تن به آن دادند تا حضورقوتهای نظامی امریکوسایر کشورهارادرکشوربیزیرند، که خلاف عنعنه، خلاف خصوصیت ملی وخلاف مشخصهٔ آزادپخواهی وآزادمنشی مردم ما که درصفحات تاریخ جهان به آن معروف هستند، میباشدوحتی مایهٔ ننگ وعارمردم ماست. این گرانترین وگرانترین قیمتی بود که مردم ماپرداخت وبه وعده و وعید کشورهای دیگراعتماد نمودند که شرارت طالبان دفعه مینمایند. اماچنین نشد وکشورهای ذیدخل بخصوص امریکا باوجودهفهم اینکه پاکستان مستقیما طالبان راتمویل، تجهیز، تربیت نظامی ورهبری جنگی می نماید، هیچ اقدامی ازطرف این کشورهابخصوص ایالات متحده صورت نگرفت، تاپاکستان را ازین عمل نامقدس بازدارد، که درآن صورت طالبان بخودی خود فلج می شدند وجنگ درافغانستان خاموش میشد.

حتی نمایندهٔ خاص امریکابرای افغانستان وپاکستان، آقای ریچاردهلبروک بصراحت اظهارداشت که پاکستان وسازمان جاسوسی آن حامیان اصلی طالبان اند، ومنشأ اصلی تمویل، تجهیز و تربیت نظامی ورهبری جنگ طالبان میباشند، و تازمانیکه پاکستان ازین اعمال دست بردارنشود، جنگ در افغانستان خاموش نمی شود . برعکس این حقایق، دولت امریکابرای تقویهٔ نظامی پاکستان سالانه یک بلیون دالرمیبردارد وبرای انکشاف آن کشور ملیونهدالر مازاد همکاری مینماید. حتی زمانیکه ایالات متحده قسمت اعظم قطعات نظامی خودراحت پلان اوپاما ازافغانستان خارج کرد، سلاح ومهمات نظامی آن قطعات خودرا که درپایگاه های نظامی شان درافغانستان بود، همه را به نظامیان پاکستان تسلیم داد که مایهٔ تعجب برای مردم افغانستان بود، و دوستی امریکا رابافغانستان مورد سؤال قرار داد. پرسشی اساسی دربنجاست که چرا امریکایان سلاحها ومهمات رابه اردوی افغانستان تسلیم نکرد که سبب تقویت اردوی افغانستان میشد، همین رಾಮریکا در ظاهر ادعادرود آنرا بیهانهٔ حضورقوتهایش درافغانستان میداند.

امروزافغانستان ضعیف ترین کشورجهان ازنگاه قدرت دفاعی بوده واولین کشوری است که فاقد قوای نظامی هوایی میباشد. درین اواخرامریکاتصمیم گرفت جندفروند هلیکوپتربه افغانستان بدهد، ولی صاحبنظران نظامی افغانستان میگوینداین هلیکوپترهابه شرایط جغرافیایی افغانستان مناسب نبوده قابل استفاده نمیباشد. قراراطهارنظر پیلوت های نظامی افغانستان این هلیکوپترها به ارتفاعات بلند پرواز نتوانسته و فاصله های زیاد راه پیموده نمی توانند ودشن به آسانی می تواند تا آنها را سقوط بدهند. درحالیکه درین تازگی امریکاقرارداد تسلیم دهی ۷۲فروند طیارات بمب افکن مجهز با تجهیزات مدرن نظامی، برای پاکستان تصویب نمود که درقدرت نظامی پاکستان افزایش چشمگیری را به وجودمی آورد .

پاکستان برای بدست آوردن پول از امریکا ووارد کردن فشاربرمقامات آن دو امتعه دردست دارد: یکی سلاح ذروی ودیگری قوای طالبی وگروههای دهشت افکن شبهه طالبی، به بیهانهٔ اینکه سلاح ذروی اش رازدسترس طالبان و دهشت افگنان دور نگهداشته باشد، امریکا رامجبور میسازد که پول بدهد. به امریکامیگویداگرپول ندهی، طالبان قوت گرفته به سلاح ذروی دسترسی می یابند که درآنصورت خطرجدی برای امریکابوده وازین بابت سخت در هراس است، لذا خودرامجبوربه پرداخت پول به پاکستان میدانند. چنانکه در سال ۲۰۰۶ زمانیکه امریکابنابرفشارهای دیپلماتیک، کمکهای نظامی خودرا بخاطر مداخلهٔ مستقیم ارتش پاکستان درجنگ طالبان علیه افغانستان قطع کرد مقامات نظامی پاکستان به طالبان امرحرکت دادودرطی کمترازیک هفته قوای طالبی به اندازهٔ پیشرفت کرد که به دروازه های قصرریاست جمهوری آنکشور دراسلام آباد و به دروازه های ذخیره گاههای سلاحهای ذروی رسیدند، واین یک نمایش خیلی موفقی بود که مقامات پنتاگون راستخ نگران ساخت ولرزه دراندام مقامات ادارهٔ بوش انداخته بود .
(دنباله در صفحهٔ هشتم)

نصیراحمد رازی
سدنی - آسترالیا
داستان های همسو با تصوف (۸)

برخی از اصول عقاید و آداب صوفیه :
فروتنی وخودشکنی نخستین گام دریوستن به این مکتب است.
مولوی فرموده:
از بهاران کی شود سرسبز سنگ خاک شو تا گل بروی رنگ رنگ
در تذکره الاولیای عطار آمده که چون معروف کرخی وفات یافت، از غایت تواضعی که داشت همهٔ ادیان در وی دعوی کردند، جهودان وترسایان ومؤمنان هریک گروه گفتند که وی از ماست.
حافظ گوید :

در کوی اوشکسته دلی می خرنند و بس

بازار خود فروشی از آن سوی دیگرست
در کتب صوفیه حکایات بسیار در مورد آزمایش گروندگان به این مسلک آمده، بزرگان طریقت، طالبان رابه انجام دادن کارهایی برای شکست خودبینی آنان فرامی خواندند.

چنانکه جنیدبنهادی از یکی از امراء که برای پیوستن به سلک صوفیه شوق وافر نشان میداد، خواست تاطبقی پراز کله وامعاء واحشاء گوسفندان رابرسگیرد واز میان بازار شهر به خانهٔ او آورد. یا زامیری دیگر خواسته شده بود تا به دیوزگی (کدایی) بپردازد.

یکی از بزرگان به سوی شیخ ابوسعید ای الخیر پیام کرد که هر چه هست ماییم و تپشهٔ یش نیستی. شیخ در جواب آن کس گفت: برو نزد استادامام وبگو که: آن پشه هم تویی، ماهیچ چیز نیستیم وماخود در این میان نیستیم.
تسلیم وتوکل : عارف شایق جمال حق است، پس شرط عشق تسلیم شدن به ارادهٔ محبوب وتوکل به لطف اوست.
سری سقطی، بشر حافی، معروف کرخی وبسیاری دیگر از صوفیان اهل توکل بشمار آمده اند، که دامن آرزوها در چیده فقر وانزوا بر گزیدند. بعضی از اینان هر گونه حرکت رابرای تأمین معاش و درمان بیماری معاير با اصل توکل می دانستند. چنانکه وقتی به یکی از صوفیان گفته شد تا برای علاج او حکیمی بیاورند، پاسخ داد حق تعالی خود مرا چنین بیمار خواسته، حال خلاف مراد او کنم و برای درمان به طبیب روی آورم ؟!

اصل توکل که در تعلیمات صوفیه یکی از مقامات والا بشمار آمده، عبارت است از ترک مراد خود، گسستن ازخلق واتکا به اراده ومشیت الهی .

ودیگراز مقامات اعلا درین طریقت پرهیز گاری، فقر، صبر و زهد و پارسایی است. و زهد یکی از ارکان مهم است که فقرای مسلمانان از اوایل دوران اسلامی بدان عمل کرده اندوحب مال وجاه وتعلقات را به کنار نهاده اند.

معرفت حق کشف وشهود : صوفیان سیر وسلوک وتزکیهٔ نفس وتحرک اوصاف راعوامل وصول به حق وکسب معرفت الهی میدانستند نه علم وعقل راه، ومیگفتند: این علوم ببقدر ظاهری قادر نیستند که سالک رابرای رسیدن به کمال وپیشگاه حق تعالی رهنمون شوند و خدا اگر بخواهد می تواند این دانشهای ناقص دنیوی ومدرسه رادر دیدگان آدمی خوارسازد.
مولوی میگوید :

رومیان آن صوفیانند ای پسر بی تکرار و کتاب و بی هنر
لیک صیقل کرده اند آن سینه ها پاک از آرزو حرص و یخل و کینه ها
نقش وقشیر علم را بگذاشتند رایت عین الیقین افراشتند
بیداری وحصول کمال تنها ازراه عنایت حق به حاصل می آیدنه به یاری حواس وعقول.
باز مولوی می فرماید :

جان شو ازراه جان جان رانشان

بازینش شو نه فرزند قیاس

حقیقت پدیده های جهان هنگامی دردل سالک متجلی می شود که وی کدورتها رازقلب بزدايد، به تصفیهٔ باطن بپردازد وحجاب هایی را که بین او وحق تعالی حائل شده از میان بردارد. زیرقلب آدمی پیوسته مستعد دریافت انوار الهی وحقایق عالم هستی است.

البته طرزانديشة صوفيه در همه ادوار یکسان نبود، چنانکه از سدهٔ ششم هجری، تصوف جنبهٔ علمی یافت و کتبی مانند فصوص الحکم محی الدین عربی، فکوک قوتنبهٔ لمعات شیخ عراقی وقصاید ابن فارض رای مطالعه وآموزش اهل طریق تدوین شد.
داستان :

رسول اکرم بدون آنکه اهمیتی به پیشامدها بدهد، باسر سختی عجیبی در مقابل قریش مقاومت میکرد وراه خویش رابسوی هدفهایی که داشت طی میکرد. از تحقیر وهانت به بت ها و کوتاه خواندن عقل بت پرستان ونسبت گمراهی وضالالت دادن به پدران واجداد آنها دریغ نمیکرد.

اکابر قریش به تنگ آمدند، مطلب را با ابوطالب در میان گذاشتند و از او خواهش کردند یا شخصاً جلو برادرزاده اش را بگیرد، یا آنکه بگذازد قریش مستقیماً از جلو او پیرون آیند. ابوطالب با زبان نرم هر طور بود قریش راساکت کرد، تا کار تدبیرجا بالا گرفت وبرای قریشیان دیگر قابل تحمل نمود. درهرخانهٔ سخن ازمحمد (ص) بود هر دوفر که بهم می رسیدند، با نگرانی وناراحتی سخنان و رفتار او را و اینکه از گوشه و کنار یکی یکی یاگروه گروه به پیروان اولحق می شوند، فکر می کردند. جای معطلی نبود، همه متفق القول شدند که هر طور هست باید این غایله کوتاه شود. تصمیم گرفتند بار دیگر با ابو طالب در این موضوع صحبت کنند، و این مرتبه جدی تر و مصمم تر با او سخن بگویند.

روؤسا واکابر قریش نزد ابوطالب آمدندو گفتند: (ما از تو خواهش کردیم که جلو برادرزاده ات رابگیری ونگرفی. مایخاطر پیرمردی واحترام تو قبل از آنکه مطلب راباتو در میان بگذاریم متعرض او نشدیم، ولی دیگر تحمل نخواهیم کرد که اویرخدایان ماعیب بگیرد و برعقلهای ما بخندد وبه پدران مانسبت ضالالت و گمراهی بدهد. این دفعه برای اتمام محجت آمده ایم، اگر جلو برادرزاده ات رانگیری، ما دیگر بیش از این رعایت احترام وپیرمردی تورانی کنیم وباتو و او هر دو وارد جنگ میشویم تا یک طرف از پا در آید.)

این اولتیماتوم صریح، ابوطالب رابسی ناراحت کرد، هیچ وقت تا آن روز همچو سخنان درشی از قریش نشنیده بود. معلوم بود که ابوطالب تاب مقاومت ومبارزه باقریش راندارد واگر بنا شود کاربه جای خطرناک بکشد، خودش وبرادرزاده اش وهمهٔ فامیل وبسگانش تباه خواهندشد. این بود که کسی نزد رسول اکرم فرستاد وموضوع رابا اودرمیان گذاشت وگفت: (حالا که کاربه اینجا کشیده سکوت کن که من تو هر دو در خطر هستیم.)

رسول اکرم احساس کرد اولتیماتوم قریش در ابوطالب تأثیر کرده، در جواب ابوطالب جملهٔ گفت که همه سخنان قریش را از یاد ابوطالب برد. فرمود : (عموجان ! همین قدر بگویم که اگر خورشید رادر دست راست من و ماه را دست چپ من بگذارند که دست اودعوت و فعالیت خود بردارم، هرگز برنخواهم داشت، تا خداوند دین خود را آشکار کند، یا آنکه خودم جان بر سر این کار بگذارم.)

این جمله را گفت واشکهایش ریخت وازیش ابوطالب حرکت کرد. چند قدمی بیشتر رفته بود که به دستور ابوطالب برگشت. ابوطالب گفت: (حالا که این طور است، پس هر طور که خودت میدانی عمل کن، به خدا قسم تا آخرین نفس از تو دفاع خواهم کرد.) / (دنباله دارد)

فرهاد میرزا
اتندل -ورجینیا

پاکستان و دوستان امر یکایی ما خدا کند این بار با ما صادق باشند !

اگر بخاطر داشته باشیم، در آوردن حکومت بی نظیر بوتو در پاکستان، وقتی او از طرف یکی از اسانطوران ویا یکی از روزنامه نگاران معتبر امریکا منتهم به ایجاد و فرستادن طالبها و قتل وقتال آتپاهب افغانستان شد واو آنا به جواب گفت که درین امر(ایجادطالبها) که به منظوراهداف سیاسی خاصی صورت گرفت، نه تنها ما که کشورسعودی وامریکا نیز سهمیم می باشند.

اظهارات مشرف درسال گذشته که گفت: (ماطالبهارا به منظوراهداف سیاسی خودبه افغانستان میفرستیم)، هردو دلایل بسیارموجه وغیرقابل تردید و شواهدی مبنی بر ادعای همیشگی ما که این برادران ناراض کرسی وبرادران مخالفین سیاسی مغز متفکر جهان، که در مدارس شیطانی پاکستان تریهٔ تروریستی دیده اند، و برای اهداف سیاسی پاکستان یا کشورهای دیگر به میهن مافرستاده میشوند، از روایتهایی بیش نستند، از خود اراده واختیاری ندارند، پشت وپناه شان آی اس آی ونظامیان پاکستان است، واگر این دست قدرت وحمايت رادرقفا نداشته باشند، به یکبارگی از هم میشارند و دیگر نامی از طالب و طالب گرابی نخواهید شنید.

ملاعمری که مردارشد و ملاخترممنصور یاملاعبدالرسول وغیره همه ساخته وبافتهٔ آی اس آی ونظامیان پاکستان اند که با استفاده از نابساما نیازها، ضعف، اختلافات وعدم مد ریت درست این حکومت وحشت ملی، جنگ درافغانستان را که تنهاخود میتوانند به آن خاتمه بدهند، مربوط به مذاکره باطالبها دانسته و کشورهای را هم متقاعدبه قبول آن میسازند وحکومت وحشت ملی بدون آموختن از گذشته، بازهم فریب این شیطنت پاکستان رامیخورد وحاضر میشود بامذاکرهٔ بی ثمر با گروهی مزدور طالبان بنشینند.

فعلاً که طالبها با تحریک، حمایت، رهبری وحشی اشتراک نظامیان پاکستان (حضور نظامیان پاکستان در حملهٔ طالبها در قونسلگری هندوستان در مزارشریف) بگفتهٔ ناتو بر تقریباً ۴۵٪ خاک ما درولات مختلف تسلط یافته اند وامسال با وجود رسیدن زمستان، که معمولاً طالبها از جنگ دست میکشیدند، ونیز با وجود بره افتادن مذاکره برای ختم جنگ، نه تنهااز حملات شان کاسته نشده بلکه وسعت وشدت بیشتر یافته است . چنانچه به اساسات گزارشات طلوع نیوز که اخیراً آشاعه یافت، حملات طالبها به کشور مادر سال ۲۰۱۵ به ده هزاررسیده که بیشتر آن در شمال و شمالشرق کشور بوده است.

می بینیم که در این سال ولسوالیهای زیادی درولات شما یکی بعددیگر توسط طالبها اشغال وباتوسط حکومت وحشت ملی به آتپهادده میشود (بند غوری)، وحتی یکی ازولات بزرگ ومهم شمال به سقوط مواجه میشود (قندز)، وروزی نیست که در یکی ازولات وبایتخت کشور(کابل) حملهٔطالبها صورت نگیرد وبه صدها پلیس وعسکر وافرادملکی به شهادت نرسند. براساس آمار ناتو درسال۲۰۱۵ بیش از هفت هزار پلیس وعسکر ماکشته وبانزده هزار آنها زخمی شده اند و تلفات افراد ملکی بیشتر از آن بوده است.

در چنین یک حالتیکه پاکستان بنا بر موافقه وپلانی که بعد از مذاکرات پشت پردهٔ مغزگنبدیدهٔ جهان با نظامیان و آی اس آی پاکستان صورت گرفت، که متأسفانه از مردم ما پو شیده ماند، آهسته آهسته به مقصدش نزدیک ونزدیکتر می شود. کدام عقل سلیم میتواند این را قبول کند که پاکستان دفعتاً حاضر میشود طالبها را به میز مذاکره بکشاند و آنها یی را که حاضر به مذاکره نمی شوند، تارومار کند، به جنگهایی که همه بر طبق مرادش بوده خاتمه بدهدوبه اصطلاح شب در میان دنیا گل و گلزار شود !؟

گر دهمای افغانستان وپاکستان وامریکا وچین در اسلام آباد تا زمینه را برای مذاکرهٔ طالبها در جنگ باافغانستان مساعد سازند، درحالیکه همه میدانند مسئول واقعی جنگ در کشور ما کیست، شاید یکی ازباز پهای مسخرهٔ دیگری باشد که مثل چهارده سال گذشته، راهش به ترکستان است، وما باخوشباورهای طفلانه که داریم، بازهم یکبار دیگر باز پیچهٔ دست پاکستان می شویم .

مگر اینکه درحل این معضله دوستان امریکا یمایان بار واقعاً یاماصادق باشند، و آن اینکه خدا کند بادر نظر داشت آنچه در جهان میکندز، فعلاً منافع شانرا در آرامش کشور ما ومنطقه دانسته، ومساعی پاکستان رادر ویرانی ویی ثباتی و فشار آورندهای زیاد برای کسب خواسته های سیاسی اش به کشور ماتوسط طالبها به سود خود منطقه و جهان ندانند . در اینجاست که امیدوار یهایی دیده میشود که شاید مساعی امریکا در اختتام جنگ طالب هابه افغانستان صحت داشته و آنها پاکستان را متقاعد ساخته باشند که دوام این جنگ به سود هیچ کشوری مخصوصاً پاکستان، که با مشکلات روز افزون اقتصادی وامینیتی روبروست، نمی باشد.

در پایان دعا میکنم که این شاید گروههایی را که البته هیچ پایه واساس درست وقابل اطمینان ندارد، و محض تحلیل ضعیفی بنا بر خوش بینی ماست، در مورد تغییر سیاست امریکابه حقیقت پیوندد، و ما ازشر طالبان وسیاست دشمنانهٔ پاکستان نجات یابیم . /

پرتو نادری

زبان فارسی به همه اقوام افغانستان تعلق دارد

یکی ازدوستان پشتون ام، نصیر عبدالرحمان که در پیشاور نشرات و کتابفروشی داشت، قصه میکرد که روزی مردی با خون داغ تعصب، زبان به لعن و طعن فارسی دری کشوده و می گفت تا زمانی که این زبان را از مدرسه های مناطق پشتون نشین گم نکنیم، پشتو روی رشد وتوسعه رانمی بیند، هی می گفت و می گفت: ناگهان کوچی زنی به کتابفروشی آمد و ازمن پرسید فرزندم: کتاب بوستان یا گلستان سعدی را داری؟ پرسیدم چه میکنی مادر؟ گفت: برای این نواسه ام میخوام که برود نزد ملا و آنرا یادگیرد. نصیر گفت من این کتاب را در کتابفروشی نداشتم و گفتم مادر همینجا بمان، برایت می آورم. رقم به کتابفروشی همسایه ویک جلد گلستان و یک جلد بوستان برایش خریدم و دادم. زن گفت: قیمت اش چند می شود؟ گفتم از طرف من برای شما تحفه است برای این کودک. زن با خوشحالی ودعای خیر کتابفروشی را ترک کرد.

چون زن رفت، رفیق ام خاموش بود. برایش گفتم با این زن کوچی چه میکنی؟ حرفی برای گفتن نداشت. این روایت از آن آوردم که وقتی حلقه های سیاه فاشیستی وزارت دفاع یا ارگ بر می خیزند و زبان فارسی دری را از لوح راهنمایی وزارت دفاع بر می دارند، فکر می کنند که به زبان خود خدمت کرده اند، هرگز نه! یا فکر می کنند که زبان فارسی دری را حذف کرده اند! برای این کوردلان می خواهم بگویم کور خوانده اید. فارسی دری زبان یک حوزه تمدنی است و اگر شما هم چیزی می دانید از برکت همین زبان است. دشمنی با فارسی دری خود دشمنی با پشتو است. برای آن که فارسی دری پیوسته برای زبان های دیگر منبع آموزش نیز بوده است، غیر از این در بر پایی کاخ شکوهند فارسی نه تنها تاجیک ها، هزارها،

تبصره بر اقدامات دولت تاجیکستان (دنباله از صفحهٔ دوم) که خلخال به پای دارند. و ای مؤنان همگی بسوی خدا باز گردید تا رستگار شوید و جوادان پیروز آید. (تفسراز حضرت خواجه عبدالله انصاری). در آیت مبارکهٔ بالا نیز به وضاحت به ملاحظه میرسد که پوشاندن موی، گردن و سینه جنبهٔ محافظتی از محیط دشت آور مردان عرب وحشی بوده است. دلیل آشکار ساختن زیورات و جواهرات هم همین دلیل را ارائه میکند. خداوند متعال میفرماید که زنان آرایش خود را برای مردان ناقص و ناتوان که با زنان کاری ندارند و یابه کود کانی که هنوز بر زنان چیره نگشته اند، نشان داده میتوانند. آیات متبر که بالا در مورد حجاب چنین معنی میدهد که اولاً حجاب برای هویت و شناسایی زنان مسلمان و تشخیص و تفریق آنها از زنان اسیر حکم شده بود، دوم اینکه پوشاندن موی سر و گردن و سینه و جواهرات توسط روسری و حجاب برای مصونیت زنان مسلمان در محیط اعراب وحشی توصیه شده بود، یعنی محیط ۴۰۰ سال قبل عرب بدوی ایجاب چنین احتمالاتی چون پوشیدن حجاب رامیکرد، اما امروز در قرن ۲۱ ضرورتی به آن احساس نمی شود.
علمای بزرگ و محققین دین مقدس اسلام ازدانشگاه پاریس در غرب تا جامعهٔ الازهر مصر به این عقیده اند که توضیح حجاب اسلامی به شکلی که از طرف ملاما وافر اطیون دینی توصیه شده است، مطابق به آیات مبارکهٔ قرآن نیست. روی همین اصل، دولت تاجیکستان با دلایل واسناد معتبر، منع حجاب را اعلام داشته است.

به نظراین نویسنده، مسألهٔ داشتن یانداشتن ریش مرد ها یک موضوع شخصی بوده و رابطهٔ بادین ندارد. هرا نسان حق دارد ریش خود را بتراشد یابگذار تان شو و نما کند. بعضیها عقیده دارند که در حال حاضر با در نظر داشت تحولات سیاسی، ریش جزء لا تجزای تروریسم میباشد. اگر چنین ثابت شود، اقدام دولت تاجیکستان امری است صواب. در غیر آن بصورت دستجمعی همه ریشداران را دهشت افکن قلمداد کردن اقدامی نادرست خواهد بود. داشتن ریش خصوصاً ریش انبوه، نه تنها تشخیص هویت ظاهری اشخاص رامشکل میسازد بلکه در ممالک غریب و عقب مانده حفظ الصحهٔ آن طوریکه لازمست تأمین نمی شود! در اخیر باید بر تصمیم حکومت تاجیکستان که به مردم توصیه کرده تا از استعمال نامهای عربی خودداری کنند، باید قدری تأمل کرد. به نظر من زبان عربی، زبان جامع و خوش آینده میباشد، قرآن مجید زبان عربی نازل شده و تلاوت قرآن بزبان عربی نظره هر زبان دیگری بر روحیهٔ انسان تأثیر عمیقی دارد. شعر گفتن و قصیده سرایی ۱۴۰۰ سال قبل از بازار عکازان در بیرون شهر مکه گوشهٔ از فرهنگ ثروتمند این زبان میباشد.

عقیدهٔ من اینست که در تشنجات سیاسی کشورهای اسلامی امروز، عربستان سعودی مسئول درجه اول میباشد. ما باید از سیاست غیر انسانی و هابیاها انتقاد کنیم ، اما زبان عربی را از قاموس خود بیرون ننمایم. /

تولد دوبارهٔ القاعده ... (دنباله از صفحهٔ دوم)

و کفایت نظامیان امریکا را نشان میدهد که یک پناهگاه مستحکم القاعده را پس از ۱۴ سال تجاوز امریکا بر افغانستان، دور راندن القاعده، سقوط رژیم طالبان حامی القاعده، مورد حمله قرار میدهند و نابود میسازند. جنرال کمبل گفت در زمان حملهٔ خزانی، پناهگاه نو طرف استفادهٔ شاخهٔ نو القاعده بنام AQISقرار داشت. این الظواهری رهبر تمام شبکهٔ القاعده در ماه سپتمبر ۲۰۱۴ ایجاد آن شاخه را در واکتش باطنیان داعش، رقیب القاعده، اعلان نمود. به حساب تحلیلگران امریکا، شاخهٔ نو ایجاد ظواهری دارای چندصد جنگجو میباشد که فکر میشود در پاکستان پایگاه دارد و بیشتر متوجه هند، پاکستان و کشورهای دیگر جنوب آسیا میباشد. سبت جونز، یک کارشناس امور افغانستان در موسسهٔ RANDگفت جنگاوران شاخهٔ اقیس AQISسال پیش از مخفیگاههای شان در وزیر ستان شمالی و شرق افغانستان به ولایت هیرمند و قندهار زمانی رفتند که حکومت پاکستان به حملات خود در آنجا اقدام کرد. به باور آقای جونز ولایات قندهار و هیرمند بصورت مشخص مکان امن برای القاعده نبوده اند. توسعه بسوی جنوب یک حرکت نسبتاً تازه میباشد.

مامورین امنیتی افغانستان ادعا میکنند که بسیاری ازین جنگجویان از کشورهای آسیای مرکزی میباشد، که در بسیاری موارد پیوستگی و ارتباط شان نامعلوم می باشد. در گذشته هابعضی ازین گروهابه القاعده ارتباط داشتند، ولی گزارشهایی وجود دارد که برخی از آنها وفاداری رابه داعش وانمود ساخته اند. یک مقام استخباراتی امریکا خطر شاخهٔ نو القاعده را کم اهمیت خواند و آنرا تهدید بنمناظقوی وانمود کرد که در حال حاضر به سازماندهی حمله در داخل پاکستان واستقرار در جنوب آسیا میباشد. باوجود داشتن مکان امن، گروه قادر نشده است علیه افغانها و غریب هادر افغانستان به حمله دست بزند.

به اساس گزارش وزارت دفاع امریکا که هفتهٔ پیش پخش شد، پیدایش مراکز تربیوی القاعدهٔ نو زمانی صورت میگیرد که امنیت در اکثر ساحات کشور بصورت گسترده به وخامت گراید و درشش ماه اخیر سال۲۰۱۵ امنیت عمومی در سراسر افغانستان رو به زوال رفته و با افزایش حملات باغیان، شمار تلفات قوای افغانستان وباغیان طالبان زیاد شده است.

در ماه می رهبر شاخهٔ نو القاعده ویدیویی رابه نمایش گذاشت که مسئولیت قتل روی جت رای، یک منکر خدا را بدوش گرفت که در ۳۰ماه می در داکه پایتخت بنگله دیش کشته شده بود. شاخهٔ مذکور هم به چند شکست مواجهه گردید، معاون رهبر این گروه، احمد فاروق زادهٔ امریکا که در نزد حلقات جهادی ستاده در حال صعود تلقی میشد، در یک حمله با پنج نفر به قتل رسید. در حملهٔ مذکور یک امدادرسان امریکایی و یک گروه گان ایتالیایی هم کشته شدند. /

درخواست از فر هیختگان دانشمند (دنباله از صفحهٔ دوم)

(نیوجرسی) ۱۳۴۴ش/ ۱۹۶۵م، شاعر، نویسنده، تاریخ‌نگار و دولتمرد افغانستانی، نوادهٔ دختری امیر عبدالرحمان خان (۱۲۹۷–۱۳۱۹ ق) و خواهرزادهٔ امیر حبیب‌الله خان (۱۳۱۹–۱۳۳۷ق) بود. دورهٔ دبیرستان را در مدرسهٔ امانی گذراند و تحصیلات دانشگاهی را در انگلستان دنبال کرد و دانشنامهٔ دکترای حقوق گرفت). سایت دانشنامه آریانا.

امام‌غرضین ییدانش و سرتمبه بازرگانان و دکانداران سران قوم هرچه موهمو ماتمی از اکثریت و غیرت و تاریخ دروغ بود، همه تلقین نمودند و به آن بسنده نکرده کتاب واهی بنام گنجینه پنهان یا (پته خزانه) را ساختند و اینگونه خواستند به زبان پشتو قدامتی بیخشند که از همان اولش دانشمندان کنجکاو تاریخ و باستان شناس حتی از جانب استادان و دانشمندان دانشگاه پشاور نیز با قاطعیت؛ دروغ دانسته و رد شد. ببینید پته خزانه فی المیزان نوشته قلندر مومند. و هذاما کنز تم (نقده) مشتاق مجروح یوسف‌زی.

پسمانی و نارسایی خردو اندیشه هم مهبنان ما از خودشان نیست؛ بل از دست آن سرمدارانی هست که برای ادامه حکومت ملوک الطوائفی خویش همه هم مهبنان مارو یژه پشتونها را در تار یکی و فقدان روش و برنامه ریزی غلط آموزش و پرورش نگه داشته بودند؛ که تا به امروز صدمه جبران ناپذیر وارد کرده. حال در تمامی رسانه ها ما شاهدیم که همه جوانان دانشمند فرهیخته نسل پسا جنگ ؛ با فروپاشی دیوار های آهنین چهار طرف افغانستان؛ در کشور های

هندوستان، پاکستان، تاجکستان و ایران رفتند و یا چه مشقتهای دانش آموختند و خود را رسانیدند به آنجای که می زبیدشان؛ اگر برای مادر و پدرشان در داخل مهبن امکاناتی که در دیگر کشورها بود؛ می بود؟ شما امروز دیگر هیچ دانشمندی را نمی دیدید که بجای قلم؛ تفنگ بدست بگیرد.

توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود

حال برنجیکان فر هیختهٔ دانشمنداست که همه اقوام (نه قبیله) بلوچ، پشه یی، قزاق، گجر، اوزبیک، ترکمن، پشتون، هزاره و تاجیک برای بازنگری کمبودها و کاستیها و فرو گذاشتهای تهداب آموزش و پرورش افغانستان را یکایک ژرف کنجکاو ی نموده یک زبان واحد آموزشی، به دستور خداوند که برای سنجش هر چیز ترازوی بایدودر آن دندی زنند، با احساس مسئولیت وجدانی راهکار تازه و مفید که آینده ساز نو یواگان ماباشد همگام باجبههای سرسام آور گوناگون دانشی بایک معیار قابل قبول ایجابات قرن ۲۱رابی بریزند و بنیاد بنهند تا همه فرزندان مهبن ما در هر گوشه و کناری که هستند با زبان سنایی غزنوی ومولانا جلال الدین محمد بلخی، بوعلی سینای بلخی، ابوالفضل بیهقی، ابوریحان بیرونی، مولانا جامی، خواجه عبدالله انصاری و رحمن بابا و خوشحالخان ختک؛ از برکت دانش امروزی بهره مند شوند و آینده شان مانند ما بیچاره های سرتمبه ییدانش به جنگ و خونریزی و بیدانسی سپری نشود.

ای ملت آیا ییدار شده و راه خود را پیدا کرده میتوانید؟ آیا هنوز به نوی تاجیک و من هزاره و اوی ازبیک و این پشتون و آن ترکمن می اندیشید؟ پیا خیزید و این یک مشت تجار و دکاندان رو کر و غلام که از فروش زبان و قوم و سمت و برتریخواهی به سرمایه رسیده و کرامت انسانی وحق زندگی من و ترا در جنگال خونریز خود نگه داشته اند، از اریکه قدرت به گودال و زباله دانی تاریخ بریزید. در این مورد تحلیلهای بیشتر نه را از مجموعه مقالات استاد بزر گوارمن، فرهیخته مرد دانشمند استاد دکترمحمد حیدرخان (بار کزایی) استاد و رئیس فاکولته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل که در امریکا به چاپ رسیده و بزودی در کابل نیز چاپ خواهد گردید؛ بخوانید./

در بارهٔ فرهنگ (دنباله از صفحهٔ سوم)

هزاران هزاره رادر بامیان و بلخ ازدم تیغ کشیدند، یکی ازشاهدان عینی، کشتار یکاولنگ بامیان راجنبن شرح میدهد:(هنگامیکه طالبان وارد یکاولنگ شدند، برادرزادهٔ مرا از خانه کشیدند، دو روز شده بود که ازدواج کرده بود، هنوز دستانش باحنا سرخ ولباس روزشاهی خود رابه تن داشت، برادرزاده راطالبان به گوله بستند، مادر و عروس برادر زاده ام خودهارا بالای جسدخونین او انداختند، درحالیکه طالبان آنها را با شلاق میزدند. آتروز تاهنوز درخاطرم زنده است. بعداً طالبان درخانهٔ ما آمدند و دستهای و دوپسرم را بستند و مارا بیرون بردند، سپس مارا نزدیک یک جویبار در حصهٔ تعمیر اگسا (امنیت ملی) یکاولنگ بردند. در آنجا مردان دیگر راجمع کرده بودند. پسرانم به من گفتند که پدر برودر گوشهٔ دیگر در کنار پیرمردان دیگر ایستادشو، مانمی توانیم کشتار پذیرابه چشم سرمشاهده کنیم. اما من نیز نمی توانستم قتل پسران ۱۸،۲۰ و ۲۵ سالهٔ خود را شاهد باشم. دیدم طالبان بالای پسران من و ۱۲ تن جوان دیگر هزاره به گوله باری آغاز کردند. در ظرف فقط چند تانپه همه به زمین افتادند و مثل آنکه بر گهای درختان به زمین بریزد. بعد دیدم که طالبان دیگر سرهای این جوانان بخون افتاده را هدف قرار دادند تا کسی زنده نمانده باشد. / (دنباله دارد)

* در صدی های اقوام را که جناب استادانتظار درین مقاله درج فرموده اند، بنا بر آمارنمودنی ریاست احصائیه که در زمان ریاست جمهوری محمدداوود بدست آمد و بعد تره کی وامن آنرا ازین بر دند، به هیچ روی درست نیست، تمام پشتون های داخل افغانستان به چهل درصدنمی رسد. اداره

آقای امان الملک جلاله ! سلام (دنباله از صفحهٔ سوم)

و در جهت حکمت و ارادهٔ او بدینم و بر این اساس وجود تفاوتها را طبیعی بشماریم، در مقابل دگر اندیشان و پیروان مذاهب و ادیان و افکار و فلسفه ها و معرفت‌های متفاوت، این مسئولیت را پیدا مینمایم که با آنان به گفتگو و یحث و تبادل نظر بپردازیم، و این کار را مسئولیت خود و حق طبیعی آنان بدانیم.

از طرف دیگر، این گفتگو و مباحثه لازم است به بهترین و پیشرفته ترین روش ممکن انجام گیرد، زیرا قرآن میفرماید:(به بهترین روش با آنان گفتگو ومباحثه کن). همچنین این آیت اصول ومبانی دعوت وتبلیغ وگفتمان را مشخص نموده میفرماید که دوام آیت فوق است: (مردم را) از طریق حکمت گفتار و کردار سنجیده و استوار (و بجا و به موقع) و اندر زهای زیبا و پسندیده (و آرام و و دلسوزانه) براه خدا (و قبول اسلام) فراخوان (اگر آنرا نپذیرفتند) با بهترین (و حکیمانه ترین) روش با آنان مباحثه و گفتگو کن.)

در قسمت علمای عربی باید شباهه آثار متعدد داکتر یوسف قرضاوی مراجعه کرده ببینید که او اسلام را چطور معرفی میکند و هم به وهابیون و سلفیها که اینها چگونه به اسلام ضرر میرسانند. اینها، بضد آیات قرآن که میفرماید: با مردم با کلمات نیک پیش آمد کنید؛ یک مرد مسلمان ایماندار را خو ک ولچیک بازاری یاد مینماید و آقای سادات جرئت نداشت که آن شخص را متوقف ساخته برایش بگوید که تو چگونه فامیل داری که ترا تعلیمات دینی نداده اند و نگفته که یک مسلمان نام نامساعد اطلاق مکن و برایش خاطر نشان سازد که کور خود و بنیای مردم مباح!

درینجا گفتار قرضاوی دربارهٔ (موعظهٔ حسنه) بخاطر م آمد که در کتاب (گفتنان دینی در عصر ارتباط) و ترجمهٔ عبدالصمد مرتضوی در صفحهٔ ۴۸ چنین مینگارد: (همانگونه که یک دعوت نگر، حکیمانه عقلا را امورد خطاب قرار میدهد و حکمت موجب میگردد عقلا را ی اثر پذیرفته و اقناع گردند، بکار بردن موعظهٔ حسنه در دعوت نیز موجب برانگیختن عواطف و متاثر گردیدن دل‌های مخاطبین می گردد. بدیهست انسان نهادارای عقل نیست بلکه علاوه بر عقل از دل (قلب) نیز برخوردار است...بر ماست که در ارشادات دینی خویش هر دو جنبهٔ عقل و قلب که یکی قدرت شناخت و ادراک دارد و دیگری اثر پذیر است، اراده میکند، به چیزی رغبت پیدامیکند، از چیزی مشمئز(بیزار) میگردد، دوست میدارد و اکراه میورزد را، مورد توجه قرار دهیم. خداوند متعال در قرآن کریم برای حکمت صفتی بیان نکرده، زیرا کسیکه دارای حکمت باشد هر آینه از خیر کثیر و وافی برخوردار گشته است، خداوند متعال در سورهٔ بقره آیت ۲۶۹ می فرماید: میدهد دانش هر که را خواهد و هر که داده شده او را دانش پس هر آینه داده شد نیکویی بسیار. اما ذات باری تعالی موعظه را موصوف به (حسن)نموده، بنا برین هر موعظه که ازین صفت برخوردار نباشد مطلوب نخواهد بود و تنها موعظه ای مطلوب است که نیکو و موصوف به (حسن) باشد... شخص مبلغ یا موعظه کننده ضعیف‌های انسانی را امورد توجه قرار دهد و اگر انسانس دچار سقوط گردید سرزنش نکند و اگر خطا و لغزش از وی سرزد او را مورد نکوهش و بی احترامی قرار ندهد، همانا بنی آدم جایز الخطا (به آراء دیگر ممکن الخطا) است و هر آدمی ممکن است دچار خطا و لغزش شود. انسان از گل خلق شده وی تردید گل از ناخالصی های زیاد برخوردار است.)

روزی شخص دائم الخمر (معتاد به شراب) را نزد رسول گرامی اسلام (ص) آوردند. یکی از صحاب گفت: خداوند لعنتش کند که چندین بار در حالی که

شراب نوشیده او را نزد رسول خدا (ص) آورده اند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: شیطان را (در دشمنی) علیه برادرت همکاری مکن (بخاری). در روایت دیگر آمده: (او را نفرین و لعنت مکن زیرا او دوستدار خدا و رسول اوست) .

گمان نمیرود، شفیع عیار وهمنشینان گردهمآئی پروگرام (آب) ازین شخص دائم الخمر بد تر بوده باشند مخصوصاً و طندار عزیز عیار با وجود اقرار بالسانش از وحدانیت خدا و پیروی افرستادهٔ او و قرآن پاکش از طریق وی مستحق اهانتها باشد وهم کسیکه از کلمات ناسزا استفاده کرده ، در حقیقت همکار شیطان بوده !

محرتم، شما نوشتهٔ مرا چنین تکرار نموده اید: (چیزیکه مرا با او (شفیع عیار) همنشین ساخت، مفکوره واعمال ضد پاکستانی ومبارزه با فساد اخلاقی حکومت فعلی و گذشتهٔ افغانستان است) و به نوشتهٔ تان دوام داده بمن خطاب نموده اید: (آیا قبل از شفیع عیار، کمونستهای ملحد خلق و پرچم وحکمرانان اتحادشوری دشمنان سرسخت پاکستان نبودند؟ آیا شما هم همنشین وهم عقیده بودید؟ و آنها رامسلمان خوب خطاب نموده اید؟ آباشما نمیدانید که ۹۵٪ افغانان، پاکستان را دشمن خود میدانند و برضد فساد اخلاقی و اداری مملکت شان مبارزه مینمایند؟ الحاج محترم، سئوالهای دلچسبی کرده اید چون شما نزد من بسیار محترم هستید نمیخواهم بگویم خنده آوراند. خوب، موضوع خلق و پرچم وحکمرانان شوروی و دشمنی شان با پاکستان مثلیکه امر یکا تنها یک مقوله دارندامند(سیب و نارنج) قابل مقایسه نیست. درست است که آنها دشمن پاکستان بودند؛ اما ما دوست پاکستان بودیم و آنها دوست ما بودند برای فامیلهای مهاجر ما که به چه مشقت و دشواریها خود را تا پاکستان رسانیدند و با پول هنگفت زمینهٔ محل بود و باش تهیه کردند؛ در مقابل مابه آنها، فرهنگ انسانی آموختیم که متأسفانه نیاموختند و دیر دوام نکرد. خوراک دال و چپاتی شانرا به کبابهای مزه دار، منتو و قابلی تبدیل ساختیم، نشریات اسلامی و کلتوری خود را برایشان معرفی کردیم، صداقت وامانداری افغانستانی خود را در عمل پیدا نمودیم.

ما خود را سپر تجاوز روسها ساختیم ور نه امروز مردم پاکستان به روسی تکلم می داشتند، از برکت مهاجرین افغان بلیون ها دالر به جیب شان ریخت و... و... به عوض (که خوری خوبه خداخوره) آنها از روز اول پلان منحوس خود ! افغانستان عزیز ما را منحیت صوبهٔ پنج و با ششم خود فکر می کردند. کمبل های جدید و باز نشدهٔ ما را که از امریکا برای مهاجرین زیر خیمه ها فرستاده بودیم تبدیل به شالهای کهنه و یوسیدهٔ عسکری نمودند، صندوق های ویتامین سیلفر سبنتروم را که برای مهاجرین زیر خیمه فرستاده بودیم به بازار به فروش رسانیدند، و (از یک دوست) پاکستان خود را به یک (دشمن) منحوس برایما تبدیل ساختند.

لیداران مسلمان ومومن وقوماندانان غیور وباشهامت رایشمول شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی، رئیس جمهور پروفیسر استاد ربانی، قوماندان داوود و دیگران را، که تیر آرزوی فتح افغانستان آنها را به کمک اجتهای افغانستانی شان به گودال فاصله جات رهنمون ساختند، بشهادت رسانیدند. طالب ظالم ومسلمان کش را باهمدستی امریکا، عربستان سعودی، قطر و امارات عربی چون بلایی بر ما نازل کردند که تاهنوز قتل وقتال وتجاوز به ناموس یک مسلمان دیگر وجورو چپاول و آتش سوزیها و سر بریدنهای مسلمانان معصوم و بیگناه شان دوام دارد. پس این سئوالهای شمایه هیچونع بجا تلقی شده نمیتاند.

سئوال دیگر شما اینست:(آیا شما با آنها (خلق و پرچم و روسها) هم همنشین وهم عقیده بودید؟) چون این سئوال جز دوم سئوال اول تان بود برایتان دوجواب دارم اول اینکه: چون سئوال اول تان به ارتباط انتقادشما بر موضوع شفیع عیار کدام ربطی نداشت اینهم به کدام جوابی نمی ارزد، ولی باهمم صدای شمارا خالی نگذاشته چند کلمه در بنباره حضور تان تقدیم میدارم: وقتیکه از انگلستان بیحث متخصص جراحی برگشتم وبه داشکدهٔ طب دانشگاه کابل پذیرفته شدم، روزی با مرحوم مغفور استاد مهربان من پروفیسرهما مشغول عملیات معده بودیم که از شفاخانهٔ چهارصد بستر برایما پیام آمد که خدمت داکتر دستگیر در شفاخانهٔ چهار صدبستر تقاضا شده است. من به آن شفاخانه رفتم و شب و روز در خدمت وطندان خود، تا روزی بودم که حضور متخصصین روسی و تزیابد بسترهای مریض را در کوریدورهای شفاخانه تجربه کردم. همان لحظه فیصله کردم که وطن بدست روسها افتیده باید هجرت نمایم. چندی بعد از هندوستان یکی از دوستانم برابرم نوشت که: قصد ترور تو توسط معاون سرجراح در بلان بود؛ این مرد کنیف که از شاگردان ننگرهار من بود، همیشه بمن استاد خطاب میکرد و جای وسیربنی تهیه و صدای مارا ثبت مینمود، شنیده ام که بعدها آموخرد که یک جراح فوق العادهٔ علمی وعملی بود بقتل رسانید. به یقین که اکنون حدس زده میتوانید که با تعلیمات دینی من و روش نامسلمانی کمونستان برابرم مشکل بود که با آنها هم عقیده باشم که با همنشینی من با شفیع عیار در گردهمآئی آب بسیار ! بسیار ! فرق دارد.

و هم می دانم که در این اواخر در حدود هشتاد فیصد افغانستانی ها به ضد پاکستان اند و نه نود و پنج فیصد، و هم در حوالی ۱۵ فیصد نو کران و اجتهای پاکستانی اند که در شبات مختلف وطن من از شعبات پایان رتبه وزارتها و موسسات شخصی تا به داخل ارگ، نو کری پاکستان و توسط آن، نو کری انگلیس دارند. کاش ، قسمیکه شما ادعا کرده اید همه متحدانه به ضد پاکستان به مبارزه برآیند.

فعلاً تنها عسا گردیندار، وطن دوست، سر تیر، شجاع وباشهامت افغانستان است که با وجود عدم همکاری ها و نداشتن اسلحهٔ مدرن مبارزهٔ جدی در پیشرو دارند و چند روز قبل در شمال تنها در یک ولسوالی ۳۲ نفر از این راد مردان از طرف طالبان بی ایمان منحوس با بریدن سرهای سرفراز شان، شهید ساخته شدند و من نه از سادات نه از کوثر و نه از ظاهر داعی و یا نیازی سخنی شنیده ام که بر آنها قوای کفر صادر نمایند؛ یگانه مرد میدان وعالم دین پروفیسر عبدالرب الرسول سیاف بود که با شجاعت و بدون ترس و هراس اعمال این یخردان را تقبیح نمود. در مقابل شاعلی خطاب از پیام افغان اورا با سخنان رکیک یاد کرد که به مقام این عالم دین و جهادی ارشد ظلم ییحد روا داشت، جای بی نهایت تأسف است !

اما خوبست که چهره های حقیقی شناخته میشود. ناگفته نماند که فعالیتهائی حرئی سترجنرال دوستم را در شمال به مقابل این نوکران انگلیس قابل تمجید می دانم. / (دنباله دارد)

زبان فارسی به همه افغانها تعلق دارد (دنباله از صفحهٔ پنجم)

ترک ها بلکه پشتون ها و دیگر اقوام افغانستان نیز نقش سازنده ای داشته اند و این زبان به همه اقوام افغانستان تعلق دارد و زبان بین قومی در این حوزه بزرگ تمدنی است. به جای دشمنی با آن، آن را بهتر و بیشتر فرا گیرد تا پنجره های دانش و فرهنگ را بیشتر به روی خود بگشاید!

برای رشد و توسعه پشتو آستین بر زیند و کمر همت ببندید، بنویسید، ترجمه کنید، بخوانید و بسرایید ور نه اگر با تعصب کور، زبان پشتو رشد میکرد، چنین سیاست سیاه راسالهای پیش محمد گل مومندروی دست گرفت و چیزیکه به دستاورد سیاه رویی تاریخ است و بس!

بازگشت همه به سوی اوست

– وفات مرحومه دوشیزهٔ جوان، رویا جان علی رادر ورجینابه خانواده های محترم علی، شرف و رازی صمیمانه تسلیت میگویم، روان مرحومه را درذیل الطاف حضرت حق شاد میخوایم، به پدرش داکتر کریم علی، مادرش محبوبه علی وخاله اش خانم عقیقه رازی و کلیهٔ بازماندگان صبر جمیل خواهانیم. امید

پیام های تسلیت و مرثیه ها به خاطر وفات محمدهصیم کوشان همکار اولی واصلی هفته نامهٔ امید از شمارهٔ اول تا شمارهٔ یک هزار و نهم



محمدعصیم کوشان ویکی از همصنفاش روزفارغ التحصیلی ازدیرستان ماری خلیلی ناصری، وود برج، ورجینیا: تمیله جان و آقای کوشان! امروز که یکماه وچند روزازرحلت فرزند ارجمندشما عصیم جان می گذرد، باکمال نا باوری درین مدت دنبال کلماتی می گشتم تا بتواند اشک های مادری را بزدايد و قلب اندوهگین پدری را تسلی دهد، با وجود اینهمه عظمت و وسعت در زبان فارسی موفق به دریافت چنان کلماتی نشدم.
ازین رو چندبیت از گفتهٔ شاعران وصفیان ژرفنگر که زیبایی را درمرگ و رحلت را وصلت به خداوند میدانند، خدمت ارسال کردم، تا شاید بتواند اندکی باعث تسلی شما گردد :

ما برای چند روز درحس دنیا آمدم

ما از کجا، حبس از کجا، مال کی را دزدیده ایم (مولوی بلخی)

نفس هر دم ز قصر عمر خشتی می کُند بیدل

پی تعمیر این ویرانه معمار این چنین باش (بیدل)

از مرگ ترسم که مددگار منست در روز پسین مونس و غمخوار منست اجداد مرا برده به سر منزل شان این مرکب خوشخرام رهوار منست

(استادخلیل الله خلیلی)

اشک یک لحظه به مژگان بار است فرصت عمر همین مقدار است (بیدل)
جهان بر آب نهاده ست عاقلان دانند که روی آب نه جای قرار و بنیاد است

داکتر میرمحمد یونس (مشرف پویان): بسمهٔ تعالی، سلام به برادر عزیز و محترم آقای کوشان! به تعقیب عرایض قبلی (تلفونی)، خبر وفات محمدهصیم جان کوشان فرزند فاضل وپرورمند شما قلب هر انسان با عاطفه را تکان داد. از آنجائیکه ما مسلمانان به مقدرات الهی بلاشرط تسلیم هستیم، لذا بایست طبق فرمایشات قرآنکریم که فرمود: صبر را پیشه کنید که خداوند همراه صابران است (انفال آیهٔ ۴۶) و باز فرمود: جزء این نیست که صابران به مزد صبرشان بدون حساب خواهند رسید (زمر: ۸۰) و آیات متعدد دیگری درمورد صبر، لذا باید به لطف خداوند همیشه امیدوار باشیم.

مالین ضایعه بزرگ رابه جناب شما و همسر محترمهٔ تان وباقی منسوبین تسلیت عرض کرده، از خداوند بخشنانده مهربان جایگاه عصیم جان رادر بهشت برین وبرای منسوبین شان صبر جمیل و اجر جزیل استدعاء داریم.
آهنگ رحیل خوشست عمر، در یغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست درخت قد صنوبر خرام انسان را مدام رونق نو باوهٔ جوانی نیست گلیست خرم و خندان و تازه و خوشبوی ولی امید نباتش چنان که دانی نیست کدام باد بهاری وز بسد در آفاق که باز در عقیش نکبت خزان نیست اگر ممالک روی زمین به دست آری بهای مهلت یک روز زندگانی نیست دل ای رفیق! درین کاروانسرای میند به دوستی! که جهان جای کامرانی نیست کف نیاز به درگاه یی نیاز بر آر که کار مرد خدا جز خدای خوانی نیست (سعدی شیرازی)

استاد یار داکتر اسدالله حیدری، به نام خالق یکتا! برادر دانشمندو نهایت محترم آقای کوشان! بعد از تقدیم سلام و تسلیت مجدد، امروز بعد از ادای نماز صبح که طبق معمول یکی دوساعت دیگر میخوایدم، هر چند کوشیدم خوابم نیامد. در همان حالت بادم از پسر مرحوم وشهید شما آمد که در نتیجه خواب بکلی فراموش وبه نوشتن سوگنامه ذیل مصروف شدم، که این یک الهامی بود و در طول روز تاهمین اندازه سروده شد. خدا کند مورد قبول شما وفامیل محترم تان گردد با درود فراوان، سدنی، ۲۰۱۶، ۲۱،

زبان حال مادر مرحوم انجنیر محمد عصیم کوشان

عصیم نور چشم، جان مادر چرا ترک نمودی اینچنین زود؟ چه دیدی از من آواره آخر؟ بگشتی غرق به دریا، دور میهن تو با، بابات بدی همکار و همیار پدر قدش خمید از رفتن تو چه میشد گر مرا بخوادو ببردی؟ پدر را نور چشم، بریان نمودی به یکباره سفر کردی ز پیشم چه گویم من به نامزد عزیزت همه خویش واقارب، در عزایت فگندیدی جمع مان، در مچمر غم به رضوان الهی، رفتی جانم شب شاد عروسیست ندیدم چه میشدمیگذاشتی یک نشانی بدی با علم وبافر هنگ پسر جان برم داغ تو با خود، تا قیامت امیدم بود که در ایام پیری غم هجرت مرا مجنون نمودست بجز صبر از غمت راه دگر نیست شیی دیدم بخوابت، نازنینم چه خوش کز خواب بیدارم نمیشد دعا دائم ناثیم در حق تو عصیم جان، نامراد رفتی ازین دهر بکن بس (حیدری)، بنوحه سرائی

محمد حیدر اختر

در اندوه سه هنرمند چیره دست

هنرمندان، هنردوستان، فرهنگیان و مردم افغانستان، در داخل وخارج از کشور، بر علاوه اینکه از اوضاع نابسامان افغانستان رنج می برند، در طول یک ماهی که گذشت در غم واندوه سه هنرمند ممتاز وشناخته شده جهان موسیقی وتیاتر نشستند. همه به خوبی میدانند که هنرمند شدن، هنرمند بودن و هنرمند ماندن کار هر خس وخاشاکی نیست که نیست. هر کدام از این هنرمندان در طول سالهای متوالی با قبول هزار گونه مشکلی که سد راه فعالیتهای هنری شان قرار داشت، سینه سپر کردند و خود را تا آنجاها رسانیدند که هنرشان مورد قبول هنردوستان قرار گرفت.



یلتون پیش از آنکه به اوج شهرت ومحبوبیت درین مردم قرار بگیرد، سالهای قبل، یعنی آنگاه که کودکی بیش نبود با آلات موسیقی آشنا شد و علاقه زیادی به موسیقی از خود ابراز نمود. وی هنوز چشم به دنیا نگشوده بود که پدرش دنیای فانی را وداع گفته وهنوز طفل کوچکی بیش نبود که مادرش را از دست داد و طفل محروم از نوازش والدین در خانه خواهرش در ولایت لوگر به زندگی اش ادامه داد. یلنون با وجود همه مشکلات فقر و بیچارگی با تولهٔ که از نی ساخته شده بود، آهنگهایی رامینواخت و گاهگاهی آهسته آهسته آهنگی را با خودش زمزمه میکرد. دوستان و همسالانش وی را تشویق می کردند و در پی تحسین آوازش بر می آمدند. همزمان او با پشتکار وعلاقمندی روائش را با نغمه ها و آواز ها هماهنگی می بخشید و با سازه خولت می کرد وزمانی هم با پنجه های کوچکش تارهای تنبورش را نوازش می داد.

بعضی اوقات به اثر اصرار دوستان بزم دوستانه همسالانش را با صدایش گرم میساخت و گاهی هم چار دیوارهای بلند قلعه های گلّی منطقه لوگر را با ساز وسردوش رونق میدبخشید ویوسته اینجاو آنجا تحسین همگان را بر می انگيخت وشمار علاقمندانش از همان آوان روز تا روز بیشتر وافزوتر میگشت. بیلتون زمانیکه در لوگر بود به حلقه شاگردان بهایی جان پیوست و چهار سال تمام خدمت ویرا کرد و از او شعر های زیادی آموخت. (۱) تا بالاخره برای بار نخست با معرفتی که با استاد (در محمد) دری لوگری پیدا کرد، پایش به عقب میکرو فون رادیو افغانستان کشانیده شد و اولین آهنگش را از طریق امواج رادیو تقدیم هنر دوستان کرد.

یلنون هنرمندی بود که در میان مردم خود زندگی کرد و هنرش را با صفاتوصیمیت در خدمت جامعه ومردمش قرارداد، زیرا او هر بار یک، در محافل و کنسرتها ظاهر میگشت با علاقمندان آوازش هر نوع فاصله رامی برید وخود را با مردم خود نزدیک ونزدیکتر احساس می کرد و همان بود که بازتابهای احساس مردمش را به خوبی درک میکرد.

یلنون در طول دورهٔ فعالیتهای هنری اش، چار بار به حیث هنرمند سال موسیقی محلی «از طرف مردمش شناخته شده و پنج مدال هنری را از آن خود ساخت و آخرین بار از طرف تلویزیون آریانای کابل نیز منحیت هنرمند سال در بخش موسیقی محلی انتخاب گردید.

یلنون سفرهای زیادی به خارج از کشور مانند ترکیه، بلغاریه و یوگوسلاوی داشته و در کنسرتها یش مورد استقبال قرار گرفته است. بعد از مهاجرت از افغانستان سفر هنری به اروپا وامریکا نیز داشت که با گرمی زبامورد استقبال هومطانش در خارج کشور نیز قرار گرفت.

استاد یلنون ازدواج نموده وهفت فرزند دارد و یگانه آرزویش این بود که تا پایان عمر یحیث هنرمند در خدمت مردمش قرارداد داشته باشد.

با صد دریغ و درد که در سالهای پر رنج زندگی، استاد یلنون بینایی و شنوایی اش را از دست داده و در کنج خانه زمینگیر شد دیگر پنجه هایش توان نداشت که تارهای تنبورش رابه اهتزاز بیاورد و دیگر توانست آواز بخواند وبه بسیار مشکل سخن میگفت.

وزارت اطلاعات وفرهنگ وریاست عمومی رادیو تلویزیون افغانستان نتوانسته باشد بدهم نخواستند این هنرمند والا و بی بدیل را جهت معالجه به یکی از کشورها مثل هندوستان بفرستند. زمانیکه این هنرمندو لاجشم از جهان پوشید، وزیر اطلاعات وفرهنگ به منزلش رفت اماخواست جنازه این هنرمند مردمی را تا خانه قیرمشایت کند.

رسانه های افغانستان نیز گزارشی از مراسم تدفین استاد یلنون را به تصویر نکشیدند وهمه رسانه ها مصروف گزارشات تظاهرات مردم، به خاطر به قتل رسانیدن هفت شهروند افغانستان توسط تروریستان طالبی و داعشی بودند. داکتر محمد نعیم فرحان: همچنان با تأسف وتأثر فراوان اطلاع یافتیم که داکتر محمد نعیم فرحان، از شخصیتهای بارز و یکن از چهره های آشنای دنیای هنر موسیقی وتیاتر نیز به تاریخ ۲۲نومبر در شهر سدنی استرالیا جهان فانی را وداع گفت. داکتر محمد نعیم فرحان در سال ۳۱۷خورشیدی در ولایت قندهار دیده به جهان گشود. و پس از با خانواده اش به شهر کابل مسکن گزین شد.

داکتر فرحان تحصیلات خویش رادر لیسه عالی حبیبیه ولیسانش را در رشته تاریخ وجغرافیه در سال ۱۳۴۲از دانشگاه ادبیات دانشگاه کابل دریافت نمود. سپس برای ادامه تحصیل به چکوسلواکیا رفت و در یکی از بهترین دانشگاههای اروپایعنی دانشگاه چارلز پراگ بمدت دهسال تحصیل نمود وباکسب مقام داکتری از آن فارغ گردید و جهت خدمت به کشورش بازگشت.

مرحوم فرحان از آوان جوانی به هنر آواز خوانی و تمثیل در تیاتر؛ ابتدا بنام نعیم شعله و بعد نعیم فرحان به فعالیتهای هنریش ادامه داد و بعد از تحصیلات اکادمیک بعنوان کارگردان، مترجم و کارشناس برازنده عرصه تیاتر از شهرت فراوان برخوردار شد. او نمایشنامه های زیادی نوشت و ترجمه کرد و به همراهی نخبگان تیاتر افغانستان چون خانم حبیبیه عسکر، استاد عبدالقیوم بیسد، رفیق صادق، حمید جلیا و مسرور نجیمی روی صحنه رفت.

هامبورگ ـ آلمان

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر ـ یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر ـ یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر ـ یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ

سند یا گو ـ کالیفرنیا

راه لاجورد دهلیز ترانزیتی بدیل برای افغانستان

پیوسته به گذشته در مسایل اقتصادی

افغانستان محاط به خشکه سالهای متمادی است که برای ترانسپورت کالا های تجارتی به یگانه بندر یحری کراچی پاکستان وابسته است که به شکل ترانزیت اموال وارداتی وصادراتی افغانستان از خاک پاکستان عبور کرده و ازین طریق به کشورهای دیگر بارگیری میشود، و پاکستان راه ترانزیتی کراچی را سالهاست که به حیث یک حربه سیاسی واقتصادی در مقابل افغانستان استفاده میکند.

درین اواخر بندر یحری چهار در ایران بازسازی و بندر یچ توسعه کرده است وهند برای تاسیسات بندری چهار کمک وسرمایه گذاری نمود وهدف از کمک هند به چهار از سببی است که از طریق این بندر اموال خود را زمسیر افغانستان به کشورهای آسیای میانه برساند. ایران هم سعی دارد برای توسعه چهار برای هند و افغانستان سهولتهای ترانزیتی ایجاد نماید حتی دوسال قبل دولت ایران برای اموال افغانستان یک ساحه را که نزدیک به بندر چهار است به مبلغ فی متر مربع ۵۰ سنت بطور اجاره در اختیار اداره گمرکی افغانستان بگذارد که کالا های افغانستان بعد از تخلیه کشتیهای باربری به این ساحه به منظور نگهداری وحفاظت که از جانب مامورین افغانستان مدیریت میشود انتقال داده شده و بعد به ترتیب توسط وسایل ترانسپورتی به شکل ترانزیت بصوب افغانستان نقل داده میشود. در این روزها عبدالله رئیس اجرایی به دعوت دولت ایران بایک هیئت بلند پایه به این کشور سفر میکند و از بندر چهار دیدن خواهد نمود، شاید مفاهمه های ترانسپورتی بین هیئت افغانستان ومسئولین اداری بندر چهار صورت گیرد و ممکن توافقتنامه ترانسپورتی بین افغانستان و ایران به امضا خواهد برسد.

راه دیگر ترانسپورتی که شاید یک راه بدیل دیگر برای واردات و صادرات افغانستان گردد و آنرا به اروپا ازین طریق وصل کند، دهلیز ترانزیتی لاجورد است. دهلیز ترانزیتی لاجورد در اثربکتار و پشناد وزارت خارجه افغانستان با کشورهای ذیدخل که ترکمنستان، آذربایجان، جورجیا وترکیه در آن شامل است، در میان گذاشته شد و کشورهای متذکره نیز به این پیشنهاد وزرات خارجه افغانستان موافقه نمودند. با ترکمنستان توافقتنامه ترانزیتی قیلا امضا شده بود وهفته قبل آقای اشرف غنی به آذربایجان و ترکیه سفر نمود که در ضمن مسایل دیگر سیاسی توافقتنامه ترانزیتی را به امضا رسانید.

دهلیز ترانزیتی لاجورد از بنادر آقینه در ولایت فاریاب و بندر سرحدی تورغندی در ولایت هرات توسط لاریهای باربری افغانستان به شهر سرحداد انتقال داده میشود، توسط خط ریل بارگیری و از طریق عشق آباد به بندر آبی ترکمن باشی و از آنجا با گذشتن از بحیره خزر (کسپین) به بندر باتو در آذربایجان انتقال میابد و سپس توسط قطار آهن از گرجستان گذشته و در بندر یوتی و باتو در بحیره سیاه رسیده و از آنجا به شهر قادسیه ترکیه و بندر استانبول به اروپا میرود.

دهلیز ترانزیتی لاجورد مراحل ابتدائی را طی نموده ونسبت به هر بندر تجارتی دیگر به اروپا نزدیکتر است. اهمیت این راه ترانزیتی وقتی تثبیت خواهد شد که تاجران افغانستان برای انتقال کالا های تجارتی خود ازین راه استفاده نمایند. دیده شود انتقال اموال از نظر وقت وزمان لمقارف ترانسپورتی وحفاظت کالا های تجارتی یک مفیدیت اقتصادی را برای تاجران بار خواهد آورد یا خیر؟

در مصاحبه هاییکه مسئولین اطاقهای تجارت بارسانه ها نموده از شاهراه زمرد نیز تذکر گرفته ولی به تفصیل توضیحات داده نشده که راه زمرد ضمیمه راه لاجورد است که به شهر هرات وصل میشود و یا اینکه خط آهنی است که از ترکمنستان به داخل افغانستان در شمال کشور که از ولایت بلخ گذشته به قندز و از آنجا به داخل تاجیکستان امتداد میابد. درین مورد بایست برای وضاحت موضع معلومات بیشتر ارائه کند.

راجع به شاهراه های ترانزیتی مضامین ذیل در شبکه های اجتماعی انترتی توسط نویسنده به نشر رسیده که در آرشیف بعضی از این شبکه ها برای معلومات مزید موجود است.

۱- هوافقتنامه نافرجام ترانزیتی واقتصادی اپتاین افغانستان و پاکستان

۲- بررسی دشواری های شاهراه ترانزیتی از طریق باریکه واخان

۳- دشواری های راه ترانزیتی با کشورهای همسایه

۴- باز کنشای خط آهن در شمال وانکشاف شاهراه جدید ترانزیتی

۵- فروپاشی سیاست ترانزیتی پاکستان

موصوف با کسب لقب کارمند شایسته فرهنگ، مدالها، نشانها و جوایز و تقدیر نامه های فراوانی را بخاطر ابتکارات هنری بدست آورد و در دهه شصت ابتدا یحیث استاد و بعد بصفت رئیس دانشکده هنر ها در دانشگاه کابل کرسی اکادمیک داشت و جوانان هنرمند فراوانی را درین راستا تربیه نمود.

از کارهای شاخص این بازیگر برجستهٔ تئاتر افغانستان، میتوان به نمایشنامه هایی چون: شام زندگی، زنان عصی، شربت غربت، خاطرهٔ یک شب، کور خود بینی مردم، حماسه مادر گورکی، ملالی دوشیزه افغان، جبارخان و جلا دخان، میرزا قلمها، عزیزم مرا بکش، تو قهرمان نیستی، همه مادران مادرم است، امشب شاه می میرد و تاجر مرگ، اشاره کرد.

جنازه داکتر نعیم فرحان در شهر سدنی استرالیایخاک سپرده شد و روائش شاد باد.

استاد سلیم بخش: وبلاخبر روز سه شنبه اول دسمبر ۲۰۱۵م
خبر مرگ هنرمند شناخته شده کشور استاد سلیم بخش پسر شهنشای غزل استاد رحیم بخش از طریق فیسبوک جناب انجنیر محمد صدیق قیام انتشار یافت. رسانه های افغانستان از فوت استاد سلیم بخش خبری را انتشار ندادند و اگر انتشار یافته باشد آنرا من ندیدم.

استاد سلیم بخش در سال ۱۳۲۹

خورشیدی در گذر خواجه خردک

خرابات کابل در یک فامیل هنرمند

چشم به جهان گشود. تا کوشش احساس کرد ساز شنید (دنباله در صفحهٔ هشتم)



